

آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری

در اجرای مواد ۲۲ و ۲۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و اصلاحات بعدی و با توجه به الزامات مقرر در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و با عنایت به نظریه شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای محترم نگهبان و قانون اختیارات و وظایف رییس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹ و قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸، آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به شرح زیر ابلاغ می شود:

ماده ۱- واژه ها و عبارات های اختصاری مندرج در این آیین نامه در معانی زیر به کار می رود:

۱- کانون: کانون وکلای دادگستری؛

۲- لایحه استقلال: لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی؛

۳- شورای عالی: شورای عالی هماهنگی امور وکلا؛

۴- اداره کل: اداره کل هماهنگی و پیگیری امور وکلا و کارشناسان رسمی.

الف - آزمون، کارآموزی، صدور پروانه وکالت؛

ماده ۲- کانون های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یکبار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون، ضمن اعلام نتایج قطعی، نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام کنند.^۳

۱- ماده ۲۲ لایحه استقلال کانون وکلا: «کانون وکلاء با رعایت مقررات این قانون آیین نامه های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجراء گذاشته می شود.»

۲- ماده ۲۶ لایحه استقلال کانون وکلا: «وزارت دادگستری مأمور اجراء این قانون است.»

۳- ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «کانون های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یکبار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند.»
ماده ۲۸ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «پروانه وکالت به عده لازم داده می شود و به نسبت هر ده نفر وکیل یک پروانه کارآموزی علاوه بر عده معین داده خواهد شد.»

تاریخ، چگونگی برگزاری آزمون، مدارک مورد نیاز و شرایط داوطلبان براساس قانون، ضمن درج آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار، از طریق تارنمای اینترنتی به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

ماده ۳- تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رییس کل دادگستری استان، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مربوط است که به دعوت رییس هر کانون وکلا، حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌کنند.^۴ در صورتی که کانون وکلای مربوط مبادرت به تشکیل جلسه یا اجرای تصمیم کمیسیون مذکور مبنی بر برگزاری آزمون ننماید، رییس کل دادگستری استان مراتب را به دبیرخانه شورا اعلام تا نسبت به طرح موضوع در شورای عالی اقدام کند.

ماده ۴- پروانه کارآموزی وکالت برای اشخاصی صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر در رشته حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی، دارای شرایط ذیل باشند:^۵

تبصره ماده ۳۰ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «صورت نقاطی که محتاج به وکیل است در دفتر کانون به‌دیوار نصب می‌شود که داوطلبان شغل وکالت با توجه به آن تقاضانامه بدهند.»

۴- تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رییس کل دادگستری استان، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مربوط می‌باشد که به دعوت رییس کانون وکلای هر کانون، حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌نماید.»

ماده ۲۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «عده وکیل لازم برای هر محل به وسیله کمیسیون متشکل از رؤساء کل دادگاه‌های استان مرکز و دادگاه‌های شهرستان تهران و دادگاه‌های بخش تهران و سه نماینده از طرف کانون به دعوت رئیس کانون تعیین خواهد شد.»

۵- در متن ماده ۴ آیین نامه پیشنهادی شرایط مصرح در ماده ۲ قانون اخذ پروانه وکالت از جهت اهمیت و تأکید عینا ذکر شده است. ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «برای اشخاصی پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل باشند:

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام.

ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی.

ج - نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری.

د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می‌باشد.

ه - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت.

و - عدم عضویت و هواداری از گروه‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

ز - عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی.

تبصره ۱ - کانونهای وکلا مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذیصلاح مربوطه استعلام نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت ۲ ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند.

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام؛

ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه و قانون اساسی؛

پ - نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری؛

ت - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است؛

ث - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت؛

ج - عدم عضویت و هواداری از گروهک‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران؛

چ - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان و استعمال مشروبات الکلی؛

تبصره ۱- اقلیت‌های مذهبی رسمی شناخته شده در اصل سیزدهم قانون اساسی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی هستند.

تبصره ۲- برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند، در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند.

ماده ۵- در اجرای تبصره ۱ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، کانون‌های وکلا مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذیصلاح به شرح زیر استعلام کنند:

۱- در خصوص اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام و اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه و قانون اساسی از حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه؛

۲- در خصوص نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری از اداره کل سجل کیفری و عفو بخشودگی قوه قضاییه؛

۳- در مورد عدم سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است، عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت و عدم عضویت و هواداری از گروهک‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران از وزارت اطلاعات؛

۴- در مورد عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی از پزشکی قانونی؛

تبصره ۲ - برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند.

تبصره ۳ - مدت کارآموزی اعضای هیات علمی دانشکده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.

تبصره ۴ - اقلیت‌های مذهبی رسمی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی می‌باشند.

محرمانه

۵- در مورد دارندگان سابقه قضایی متقاضی دریافت پروانه وکالت، استعلام از سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه، دادسرای انتظامی قضات و کارگزینی قوه قضاییه الزامی است. این دسته از متقاضیان چنانچه ظرف شش ماه از خاتمه خدمت قضایی، تقاضای پروانه وکالت نمایند، از بندهای ۲ و ۴ ماده فوق معاف خواهند بود.

تبصره ۱- مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضاییه می‌تواند جهت احراز شرایط موضوع استعلام حسب مورد از مراجع مرتبط در محل کار یا سکونت متقاضی کسب اطلاع کند.

تبصره ۲- مراجع مذکور در ماده فوق مکلفند ظرف دو ماه به استعلامات پاسخ دهند و در صورت عدم وصول پاسخ از مرجع مذکور، شروع کارآموزی متقاضی بلامانع است؛ اما چنانچه پاسخ استعلامات در هر مرحله واصل و فقدان یکی از شرایط مذکور در این ماده محرز گردد، پروانه وکالت یا کارآموزی به حکم دادگاه انتظامی کانون لغو می‌شود. در کلیه مواردی که فقدان یکی از شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مسجل شود، کانون به وکیل یا کارآموز ابلاغ می‌کند تا ظرف یک ماه نسبت به تسلیم پروانه خود اقدام کند. در صورت تسلیم نکردن پروانه در مهلت مقرر، رییس کانون ظرف حداکثر بیست روز پرونده را به دادگاه انتظامی کانون جهت رسیدگی ارسال می‌کند.

ماده ۶- به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱- اتباع خارجی؛

۲- افراد فاقد شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری؛

۳- قضات شاغل یا کارکنان شاغل دستگاه‌ها یا شرکت‌های دولتی یا دستگاه‌ها و شرکت‌های وابسته به قوای سه‌گانه و مؤسسات عمومی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است، به‌استثنای استادان دانشگاه که به تدریس در یکی از رشته‌های حقوق اشتغال دارند، در صورت اجازه شورای دانشگاه؛

۴- مجبورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد؛

۵- محکومان به انفصال ابد از خدمات دولتی؛

۶- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مواد مخدر و روانگردان و مسکرات و اعمال منافی عفت؛

۷- محکومان به جرایم منافی با امانت، عفت و شئون وکالت به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا محرومان از برخی حقوق اجتماعی به موجب قانون؛

۸- افراد تحت تعقیب یا محاکمه به اتهام جرایم مذکور در بند فوق؛



۹- اشخاص محروم از وکالت طبق حکم محکمه^۶.

ماده ۷- منابع سئوالات امتحانی دروس حقوقی در مقطع کارشناسی شامل: حقوق اساسی، حقوق تجارت، حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، حقوق مدنی، آئین دادرسی مدنی، آئین دادرسی کیفری، امور حسبی، حقوق ثبت و فقه در حد تحریرالوسیله امام خمینی (ره)، است.

ماده ۸- حداقل نمره قبولی در آزمون وکالت، ۵۰٪ از کل نمره آزمون می‌باشد و پذیرش افراد بدون کسب نمره لازم ولو در صورت نیاز ممنوع است.

ماده ۹- آزمون کتبی به صورت چهار گزینه‌ای به عمل می‌آید.

ماده ۱۰- کانون موظف است شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت را در آگهی ذکر و تصریح کند چنانچه متعاقباً خلاف شرایط مقرر قانونی احراز گردد، قبولی داوطلب کآن لم یکن تلقی و پروانه کارآموزی ابطال می‌شود.

ماده ۱۱- در اجرای ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری و بند چ ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز کانون وکلای هر حوزه به ایثارگران (رزمندگانی که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و آزادگان با داشتن سه ماه سابقه اسارت و یا جانبازان ۱۰ درصد و بالاتر همسر و فرزندان شهدا و جانبازان ۲۵ درصد بالاتر فرزندان رزمندگان دارای ۱۲ ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه بدون رعایت شرط سنی و در صورت واجد شرایط بودن) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که

سره
دو
مهر

۶- ماده ۶ آیین نامه پیشنهادی در اجرای ماده ۱۰ لایحه استقلال و ماده ۲ قانون کیفیت و با تکرار حکم قانونگذار نوشته شده است ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری: «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:
۱- اتباع خارجه.

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به‌استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳- محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۶- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آن که به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.

۷- کسانی که به اتهام جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

بیشترین نمره را آورده‌اند انتخاب خواهند شد.^۷ متقاضیان موضوع این ماده ضروری است علاوه بر کسب حداقل نمره قبولی لازم، شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری را دارا باشند. استفاده از سهمیه ایثارگران، مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده‌اند، نمی‌باشد.

ماده ۱۲- افراد مذکور در ماده ۸ لایحه استقلال قانون وکلا، اصلاحی ۱۳۷۳ از شرکت آزمون وکالت معاف هستند و با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸ قانون مذکور و تبصره های آن به آنها پروانه وکالت درجه یک از طرف قانون وکلا داده می‌شود.^۸

ماده ۱۳- متقاضی باید فرم تقاضانامه را که مشتمل بر موارد ذیل است تکمیل کند. فرم تقاضانامه توسط قانون تهیه و در اختیار متقاضیان قرار خواهد گرفت:

۱- مشخصات فردی متقاضی؛

۲- نشانی محل اقامت متقاضی؛

۳- سوابق شغلی فعلی و قبلی؛

۴- تصریح به عدم سوء پیشینه کیفری مؤثر و غیرمؤثر با ذکر سوابق کیفری و نوع جرم ارتكابی و مجازات آن؛

۵- تصریح به وجود یا فقدان هرگونه پرونده مفتوح کیفری در مراجع قضایی؛

۶- تصریح به عدم اعتیاد به مواد مخدر، روانگردان و مسکر؛

۷- تعیین و معرفی محلی که تمایل به اشتغال وکالت در آن دارد؛

۸- تصریح به عدم اشتغال در شغل دولتی موضوع ماده ۱۰ لایحه قانونی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل؛^۹

۷- این ماده در اجرای ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه نوشته شده است. ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری «- سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز قانون وکلای هر حوزه به ایثارگران (رزمندگان که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده‌اند و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر و بستگان درجه اول شهدا و جانبازان ۵۰٪ به بالا) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند انتخاب خواهند شد.

تبصره - استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد.

۸- این ماده در مقام بیان حکم قانونگذار در ماده ۸ لایحه استقلال قانون وکلا اصلاحی ۱۳۷۳ است.

۹- ماده ۳۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: در تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی باید نکات ذیل تصریح شود:

- نام شخصی و خانوادگی و نام پدر متقاضی.

- محل اقامت متقاضی به طوری که مأمور قانون دادگستری یا پست بتواند بدون زحمت اوراق را در محل مزبور ابلاغ نمایند.

- اشتغالاتی که قبل از تاریخ تقاضا داشته و در حین تقاضا دارد.

- تصریح به اینکه محکومیت جنحه و جنایی ندارد و در صورت داشتن چنین سابقه به چه عنوان و به چه مجازاتی محکوم شده است.

ماده ۱۴- تقاضا باید دارای ضمایم ذیل باشد:

- ۱- تصویر مصدق کلیه صفحات شناسنامه و کارت ملی؛
 - ۲- چهار قطعه عکس جدید؛
 - ۳- گواهی حُسن سابقه خدمت در صورت داشتن سابقه اشتغال در وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است؛
 - ۴- تصویر مصدق از دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی؛
 - ۵- تصویر مصدق کارت پایان خدمت یا معافیت دایم از خدمت وظیفه^۱؛
 - ۶- تصویر مصدق مدارک دال بر سابقه اشتغال خدمت قضایی یا سابقه اداری یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی؛^{۱۱}
- ماده ۱۵- داوطلبان موظفند محل مورد تقاضای خدمت خود را برای آزمون تعیین کنند و تغییر این محل جز به شرح مقرر در این آیین‌نامه امکان‌پذیر نیست.

- تصریح به عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره.

- ذکر مجوز قانونی تقاضا.

- تعیین و معرفی محلی که می‌خواهد در آن اشتغال به وکالت داشته باشد.

- معرفی شخصی که متقاضی می‌خواهد نزد او کارآموزی نماید.

۱۰- بنده ماده ۱۰ قانون نظام وظیفه و دستور العمل ستاد کل نیروهای مسلح

۱۱- ماده ۳۲ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «تقاضا باید دارای ضمایم ذیل باشد:

- رونوشت گواهی شده شناسنامه.

- چهار قطعه عکس.

- گواهینامه عدم سوء سابقه.

- در صورت داشتن سابقه شغل در وزارتخانه یا اداره دولتی و مملکتی و بلدی یا مراجع قضائی یا بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است گواهی‌نامه حسن سابقه خدمت از مراجع مربوطه.

- گواهینامه عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره.

- رونوشت مصدق هستند تقاضا از دانشنامه یا سابقه شغل قضائی و مقاماتی که دارا بوده و مدت آن.

- گواهینامه شورای عالی فرهنگ راجع به ارزش دانشنامه که از دانشگاه‌های خارج صادر شده.

- گواهینامه اداره کل بازنشستگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنشستگی.

تبصره - (الحاقی ۱۳۴۷/۹/۱۷) کانون می‌تواند برای تشخیص حسن سابقه خدمت قضات دادگستری خلاصه پرونده کارگزینی آنها را مطالبه کند.»

ماده ۱۶- تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی در صورتی که نقضی نداشته باشد، از طرف دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد. رئیس کانون، رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان ارجاع می‌دهد که ظرف یک هفته رسیدگی و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم کند. گزارش مزبور در هیئت مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضا، پروانه صادر خواهد شد.^{۱۲}

ماده ۱۷- در صورت تصویب اعطای پروانه کارآموزی، پرونده به کمیسیون کارآموزی ارجاع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی، متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت مدیره، به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید. دادگاه مزبور رسیدگی می‌کند؛ در صورت عدم ورود شکایت، تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد که پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود. حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجراء آن به عهده ریاست کانون است و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.^{۱۳}

ماده ۱۸- کارآموزان شاغل، در صورت شمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در دوره کارآموزی، مجاز به قبول وکالت ولو تحت نظارت وکیل سرپرست نیستند.^{۱۴}

ماده ۱۹- وظایف کارآموز عبارت است از:

۱۲- ماده ۳۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «تقاضانامه پروانه وکالت و کارآموزی در صورتی که نقضی نداشته باشد و در صورتی که دارای نقص باشد پس از رفع نقص از طرف دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد و رئیس کانون رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون و یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان رجوع می‌نماید که در ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم نماید گزارش مزبور در هیئت مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر خواهد شد...»

۱۳- ماده ۳۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «... واگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شد به کمیسیون کارآموزی رجوع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت مدیره به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود شکایت تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود و حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجراء آن به عهده ریاست کانون است و متخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.»

۱۴- ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا: «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود...»

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه» تبصره ۴ ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳: «تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع شرکتهای خصوصی جز شرکت های تعاونی ادارات و موسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.»

- ۱- حضور در جلسات کارگاه‌های آموزشی در دوره کارآموزی به میزان حداقل شصت ساعت به دعوت کانون؛
 - ۲- حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری؛
 - ۳- تهیه گزارش از حداقل صد پرونده با رعایت تنوع موضوعات؛
 - ۴- کارآموزی نزد یکی از وکلای با سابقه دادگستری با معرفی کانون؛^{۱۵}
- تبصره - کیفیت کارآموزی وکلا و تعیین شعب دادگاه‌ها و دادرها جهت کارآموزی به موجب دستورالعملی است که توسط مجمع عمومی اتحادیه کانونهای وکلا تهیه به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.
- ماده ۲۰- انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است، ولی بابت کارهایی که کارآموز خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد، می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید.^{۱۶}
- ماده ۲۱- طول مدت کارآموزی دوازده ماه بوده و تجدید دوره کارآموزی منوط به نظر کمیسیون کارآموزی وکلا و تصویب هیات مدیره کانون مربوطه است. تجدید دوره تنها تا سه نوبت مجاز خواهد بود و پس از آن نسبت به توانایی اشتغال به وکالت یا عدم آن تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود. تعویق در شروع کارآموزی برای مدت شش ماه مجاز است و پس از آن داوطلب منصرف تلقی می‌شود.^{۱۷}
- ماده ۲۲- موارد تقلیل کارآموزی به این ترتیب است:

۱۵- ماده ۳۶ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کارآموز موظف است در دوره کارآموزی تکالیف ذیل را تحت نظر کانون انجام دهد:

۱. کارهای معاضدت قضائی که از طرف شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون رجوع می‌شود.
 ۲. حضور در سخنرانی‌ها.
 ۳. حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لاقلاً ماهی چهار مرتبه.
 ۴. تهیه گزارش چند پرونده که به او رجوع می‌شود.
 ۵. کارکردن در کانون اعم از دادرها یا دادگاه یا شعبه معاضدت قضائی یا راهنمایی یا سایر کارهای اداری و دفتری.
 ۶. کارکردن نزد یکی از وکلای با سابقه دادگستری.
- ۱۶- ماده ۲۸ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است ولی از کارهایی که کارآموز خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید»
- ۱۷- ماده ۴۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاکره قرار داده و اختیار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیئت مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود.

ماده ۴۲ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیئت مدیره واقع نشد باید تجدید شود و در هر دفعه به ترتیبی که در نوبت اول مقرر است عمل خواهد شد.»

۱- مدت کارآموزی اعضای هیأت علمی دانشگاه در رشته‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.^{۱۸}
۲- کارآموزی افرادی که دارای سه سال سابقه در شورای حل اختلاف به عنوان عضو هستند به شرط تأیید حسن سابقه خدمت آنان از سوی رییس کل شوراهای حل اختلاف استان، به نصف تقلیل می‌یابد.^{۱۹}
۳- کارآموزی افراد موضوع بند د ماده ۸ اصلاحی لایحه استقلال با وجود شرایط مقرر قانونی، نصف مدت کارآموزی سایر داوطلبان است؛

ماده ۲۳- پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی، با تقاضای کارآموز و با دستور رییس کانون، درخواست و پرونده کارآموز در کمیسیون کارآموزی مطرح می‌شود.^{۲۰}

ماده ۲۴- نتایج علمی و عملی کارآموزی وکالت در کمیسیون متشکل از پنج نفر وکیل با ده سال سابقه وکالت و یا پنج سال سابقه قضاوت و پنج سال وکالت ارزیابی می‌شود. امضای حداکثر سه نفر از کمیسیون فوق در ذیل هر پرونده کافی است و نظر اکثریت ملاک خواهد بود. کمیسیون پس از بررسی مدارک کارآموز احراز وجود شرایط قانونی، مبادرت به اختبار می‌کند.^{۲۱}

تبصره - تأخیر در اختبار فقط برای یک بار به مدت یک ماه به تشخیص کمیسیون کارآموزی مجاز است.

ماده ۲۵- هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود. این کارنامه باید در مورد حضور در جلسات دادگاه‌ها و رعایت مقررات و حفظ شوون وکالت به گواهی رؤسای شعب دادگاه‌ها یا دادسراهای محل کارآموزی، در مورد کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست، در خصوص کارهای معاضدت قضایی به گواهی شعبه معاضدت قضایی یا

۱۸- تبصره ۳ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: «مدت کارآموزی اعضای هیأت علمی دانشکده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.»

۱۹- ماده ۴۰ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴

۲۰- ماده ۴۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مدافه قرار داده و اختیار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیئت‌مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود.»

۲۱- ماده ۳۵ آیین نامه ۱۳۳۴: «کمیسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایی که واجد شرایط عضویت هیئت‌مدیره باشند از بین اعضاء هیئت‌مدیره یا از خارج اعضاء هیئت یا بطور مختلط از طرف هیئت‌مدیره تعیین می‌شود.»

ریاست کانون، در رابطه با تمرینات و سخنرانی‌ها به گواهی رئیس شعبه سخنرانی‌های کانون و در مورد کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد.^{۲۲}

ماده ۲۶- کارآموزانی که در استان محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست یا کانون به وجود ایشان احتیاج ندارد، از سخنرانی و کارکردن در آن مراجع معاف هستند.^{۲۳}

ماده ۲۷- کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند. چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی، خلاف آن احراز شود، با تأیید رییس کانون و رأی دادگاه انتظامی، کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.^{۲۴}

ماده ۲۸- هر یک از مقامات قضایی از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق، حیثیت و شئون وکالت توسط کارآموزان مطلع شوند، مراتب را حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی اعلام می‌کنند. دادستان یا رییس حوزه قضایی، در صورت تأیید، گزارش امر را به رییس کانون مربوطه ارسال می‌کند تا به شرح مقرر در ماده قبل اقدام نماید.^{۲۵}

ماده ۲۹- کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت، حق وکالت در دعاوی که مرجع فرجام خواهی از احکام آنها دیوان عالی کشور است، را ندارند.^{۲۶}

۲۲ - ماده ۳۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود در این کارنامه باید حضور در جلسات دادگاهها به گواهی رؤساء دادگاهها و کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست و کارهای معاضدت قضائی به گواهی شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون و تمرینات و سخنرانیها به گواهی رئیس شعبه سخنرانی‌های کانون و کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد.»

۲۳ - ماده ۴۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «کارآموزانی که در محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست یا کانون به وجود ایشان احتیاج ندارد از سخنرانی و کارکردن در آن مراجع معافند.»

۲۴ - تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: «کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رییس کانون و رأی دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد. کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند.»

۲۵ - این ماده از آیین نامه به عنوان سازو کار اجرایی نظارت بر اعمال کارآموزان در مراجع قضایی نوشته شده است. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از کارآموزی در مراجع قضایی سپری می‌شود و قانونگذار مرجع مشخصی را برای اعلام تخلف کارآموز پیش بینی نکرده است، قضات دادسراها و دادگاهها می‌توانند موارد تخلف کارآموزان را به کانون اعلام کنند.

۲۶ - تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: «کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رییس کانون و رأی دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد. کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند.»

ماده ۳۰- پس از اتمام کارآموزی، و قبل از تسلیم پروانه وکالت به متقاضی، مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لاقل یک نفر از اعضای هیأت مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و در صورت مجلس قسم و قسمنامه را امضاء نماید:

« در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاری و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسمنامه را امضاء می‌نمایم.»

تبصره - در صورتی که وکیل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئیس عالی‌ترین دادگاه محل اقامت خود و دو نفر از وکلای آن محل به دعوت رئیس دادگاه باید قسم یاد نماید و اگر در محل وکیل نباشد در حضور رئیس دادگاه قسم یاد خواهد کرد.^{۲۷}

ماده ۳۱- مادام که کارآموز، دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده باشد، نام او در فهرست اسامی وکلاء درج نخواهد شد.^{۲۸}

۲۷- ماده ۳۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: « پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لاقل دو نفر از اعضای هیئت‌مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و صورت مجلس قسم و قسمنامه را امضاء نماید. «در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نائل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه‌توزی و انتقام‌جوئی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسمنامه را امضاء می‌نمایم.»

تبصره - در صورتی که وکیل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئیس عالی‌ترین دادگاه محل اقامت خود و دو نفر از وکلا آن محل به دعوت رئیس دادگاه باید قسم یاد نماید و اگر در محل وکیل نباشد در حضور رئیس دادگاه قسم یاد خواهد کرد.

۲۸- ماده ۴۶ آیین نامه ۱۳۳۴: « مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلا درج نخواهد شد.»

محرمانه

ماده ۳۲- پروانه وکالت پس از صدور گواهی اتمام دوره کارآموزی و موفقیت در آن و ادای سوگند و امضای ذیل سوگندنامه و تعهدنامه به انجام معاضدت قضایی اعطاء می‌شود.^{۲۹}

ماده ۳۳- امضای پروانه وکالت دادگستری به عهده رییس و در غیاب وی بر عهده ی نایب رییس کانون وکلای مربوطه است و پروانه پس از انجام تحلیف به کارآموز تحویل داده می‌شود.

ماده ۳۴- پروانه وکالت و دفترچه وکالت و سایر ملزومات دفتر وکیل پس از طی تشریفات قانونی به وکیل تحویل داده می‌شود. وکیل موظف است در حفظ و نگهداری آنها نهایت دقت را مبذول دارد. صدور المثنی بدون انتشار آگهی و انقضای یک ماه و وجود عذر موجه ممنوع است.

ماده ۳۵- اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می باشد تمدید پروانه وکالت با ارائه مفاصا حساب مالیاتی و عدم محکومیت به انفصال موقت یا دائم یا تعلیق و گواهی انجام وکالت معاضدتی مجاز است.

ماده ۳۶- هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری از طرف کانون، تشخیص داده شود، رییس کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه انتظامی وکلاء اعلام و درخواست رسیدگی کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود، مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.^{۳۰}

۲۹- ماده ۴۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «چنانچه کارآموز تکالیف مقرر را انجام داده و از عهده اختیار برآید پروانه وکالت درجه یک به او داده خواهد شد.»

۳۰- تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد. هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آنرا به دادگاه انتظامی وکلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه باتوجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.»

محرمانه

تبصره- در صورتی که رییس کانون از ارجاع امر موضوع ماده فوق، به دادگاه امتناع کند، مطابق ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، به حکم دادگاه عالی انتظامی قضاات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانون‌های وکلا به انفسال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.^{۳۱}

ماده ۳۷- هرگاه رییس کل دادگستری استان یا دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یا رییس حوزه قضایی، از فقدان شرایط قانونی موضوع ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در مورد وکیل مطلع شود، مکلف است موضوع را با ذکر دلایل و مستندات به رییس کانون وکلای مربوط اعلام نماید تا به دادگاه انتظامی کانون ارجاع شود و تا حصول نتیجه پرونده را پیگیری و از بدو تا ختم، تعقیب قضیه را به طور مستمر مراتب را به اداره کل اعلام نماید. هریک از قضاات محاکم و دادرها و سایر مقامات قضایی که از فقدان شرایط موضوع ماده ۲ قانون مذکور در وکلا مطلع شود، موظف است بی‌درنگ گزارش امر را حسب مورد به رییس دادگستری یا دادستان یا رییس دادگاه بخش اعلام نماید تا به شرح مقرر در این ماده اقدام شود.^{۳۲}

ماده ۳۸- هر یک از قضاات دادگاه‌ها، دادرها، اجرای احکام، یا سایر مقامات قضایی در صورتی که از وجود سابقه محکومیت کیفری موثر وکلای دادگستری یا کارآموزان وکالت یا محکومیت یا پرونده‌های اتهامی آنان در ارتباط با جرایمی که ارتکاب آن مخالف حیثیت و شئون وکالت است، مطلع شود مکلف است مراتب را به طور مستند حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی اعلام نماید. دادستان یا رییس حوزه قضایی فوراً موضوع را بررسی و با قید فوریت و به صورت محرمانه به رییس کانون وکلای مربوط اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری

۳۱- ماده ۵ قانون کیفیت: «در صورت تخلف هریک از اعضای هیات مدیره کانونهای وکلای دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضاات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیاتهای مدیره کانونهای وکلا به انفسال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.»

۳۲- تبصره ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت می‌گوید: «... هرگاه وکلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آنرا به دادگاه انتظامی وکلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رای مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه باتوجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.» این ماده مرجع منحصر به فردی را برای اعلام مراتب سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت ذکر نکرده است، بلکه عبارت «تشخیص داده شود» را قید کرده است. بنابر این اگر مراجع و مقامات قضایی نسبت به سلب یا فقدان شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت آگاه شوند، از آنجا که استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون مذکور همانند شرایط قضاات دائمی است موظف به اعلام به کانون شده اند.



می‌نماید. دادستان‌ها، روسای کل دادگستری‌ها یا روسای حوزه‌های قضایی در صورتی که شخصا از این امور مطلع شوند، رأساً مراتب را به کانون اعلام و مطابق این ماده اقدام می‌کنند.^{۳۳}

ماده ۳۹-در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جرمی کیفرخواست صادرشود، دادستان عمومی و انقلاب مربوط باید رونوشت آن را به دادگاه انتظامی وکلا بفرستد؛ در صورتی که اتهام از مواردی باشد که در فرض اثبات، موجب محکومیت مؤثر کیفری باشد یا به نظر دادگاه انتظامی ادامه وکالت وکیل منافی با شئون وکالت باشد، دادگاه حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید. حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به حوزه قضایی که پروانه برای آن صادر شده است، ابلاغ می‌شود. در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جرائم موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطلقاً^{۳۴} و در مورد سایر جرائم که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلاء ادامه وکالت منافی شئون وکالت است، محرومیت وکیل از شغل وکالت در مجله کانون آگهی و به حوزه قضایی مربوطه ابلاغ می‌شود. همچنین، تصویر دستور جلب، قرارهای تأمین و دادنامه‌های علیه وکلا به کانون وکلا ارسال می‌شود.^{۳۵}

ب- شورای عالی هماهنگی امور وکلا؛

ماده ۴۰-به منظور هماهنگی امور مربوط به وکلا، شورایی مرکب از اعضای زیر به نام «شورای عالی هماهنگی امور وکلا» در معاونت حقوقی قوه قضاییه تشکیل می‌شود:^{۳۶}

۱- معاون حقوقی قوه قضاییه؛

۲- رییس شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات؛

۳۳- به زیرنویس ماده ۳۸ مراجعه شود.

۳۴- طبق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی محکومیت مؤثر کیفری موجب محرومیت از وکالت می‌شود. طبق بند ج ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری یکی از شرایط وکالت نداشتن سابقه مؤثر کیفری است.

۳۵- ماده ۸۷ آیین نامه ۱۳۳۴: در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلائل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می‌شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقاً در مورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلا ادامه وکالت منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون آگهی و به دادگاهها ابلاغ می‌شود.»

۳۶- هدف از این شورا ایجاد مرکز هماهنگی و همکاری بین قوه قضاییه و کانونهای وکلا و مرکز امور وکلا کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه است. ملاحظه وظایف این شورا نشان می‌دهد که با ترکیبی متوازن و با هدف هم اندیشی تشکیل شده و مداخله ای در استقلال کانونهای وکلا نخواهد داشت.

۳- دادستان کل کشور؛

۴- وزیر دادگستری؛^{۳۷}

۵- رییس مرکز وکلا و کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه؛

۶- رییس و نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز؛

۷- رییس اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور؛

۸- سه نفر وکیل دادگستری عضو کانون وکلای دادگستری حایز شرایط عضویت در هیأت مدیره کانون وکلا با معرفی اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری؛

تبصره- شورا می‌تواند به تناسب موضوعات مطرح در جلسات از مسئولان کانون وکلای استان مربوط، مقامات قضایی یا اجرایی دعوت کند؛

ماده ۴۱- ریاست شورای عالی بر عهده معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از رییس قوه قضاییه است.

ماده ۴۲- دستور العمل نحوه اداره و تشکیل جلسات، تعداد جلسات، دعوت از اعضاء، ترتیب رأی‌گیری، ابلاغ مصوبات و سایر امور مربوط به اداره شورای عالی به تصویب اعضای شورا می‌رسد.

ماده ۴۳-وظایف شورای عالی به شرح زیر است:

۱- هماهنگی در ترسیم خط مشی کلی در رابطه با موضوعات مرتبط با وکلای عضو کانون‌های وکلا و مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه و پیشنهاد به رییس قوه قضاییه؛

۲- آسیب‌شناسی و پیشنهاد اصلاح قوانین و مقررات مربوط به وکالت و اعلام مراتب به رییس قوه قضاییه؛

۳- بررسی گزارش‌های هیأت نظارت بر انتخابات کانون‌های وکلا و اعلام موارد تخلف در انتخابات به مراجع قانونی ذیربط؛

۴- پیگیری و اعلام مراتب به مراجع قانونی ذیربط در مواردی که کانون وکلا تصمیمات کمیسیون موضوع ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری را اجرا نمی‌کند؛

۵- حل و فصل اختلافات بین کانون‌های وکلا و مرکز امور وکلا و کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه و کانون‌های وکلا با یکدیگر؛

۶- هماهنگی و پیگیری با هدف حسن تعامل کانون‌های وکلا و مرکز امور وکلا و کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری؛

۳۷- انتخاب مقامات موضوع آیین نامه با در نظر گرفتن وظایف و اختیارات آنها در قوانین و آیین نامه صورت گرفته است.

۷- اظهار نظر در خصوص موضوعات مرتبط با وکالت ارجاعی از سوی رییس قوه قضاییه؛

۸- بررسی و اظهار نظر در مورد حدوث اختلاف ناشی از رویه‌های متفاوت و انسجام رویه در استان‌های مختلف و اعلام مراتب به رییس قوه قضاییه؛

ماده ۴۴- شورای عالی می‌تواند جهت کارشناسی دقیق مسایل حوزه وظایف خود کارگروه‌های تخصصی تشکیل دهد.

ماده ۴۵- به منظور پیگیری و اجرای تصمیمات شورای عالی، « اداره کل هماهنگی و پیگیری امور وکلا و کارشناسان رسمی » در معاونت حقوقی قوه قضاییه تشکیل می‌شود. مدیر کل این اداره، از میان قضات دارای پایه ده قضایی یا بالاتر به پیشنهاد معاون حقوقی و ابلاغ رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود و علاوه بر وظایف مقرر، دبیر شورای عالی است.^{۳۸}

ماده ۴۵- به منظور پیگیری و اجرای تصمیمات شورای عالی، « اداره کل هماهنگی و پیگیری امور وکلا و کارشناسان رسمی » در معاونت حقوقی قوه قضاییه تشکیل می‌شود. مدیر کل این اداره، از میان قضات دارای پایه ده قضایی یا بالاتر با پیشنهاد معاون حقوقی و ابلاغ رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود و علاوه بر وظایف مقرر، دبیر شورای عالی است.

ماده ۴۷- معاون حقوقی قوه قضاییه به عنوان نماینده رییس قوه قضاییه مکلف است در صورت اطلاع از فقدان شرایط یا سلب شرایط قانونی مقرر برای هر یک از وکلای مشمول این آیین‌نامه یا وکلا و کارشناسان عضو مرکز وکلا و کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه یا اعضای هیات مدیره هر یک از این کانون‌ها، یا ارتکاب تخلف یا اعمال مجرمانه از سوی آنها، حسب مورد گزارش امر را به رییس کانون مربوط یا رییس مرکز اعلام تا طبق قوانین و مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد.

ماده ۴۸- در صورت احراز تخلف در برگزاری انتخابات کانون‌های وکلا، معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از رییس قوه قضاییه، مراتب را به نحو مستدل به دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام می‌کند.

ماده ۴۹- کلیه کانون‌های وکلا و کارشناسان، مرکز امور وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه، و مراجع انتظامی و نظارتی وابسته به آنها، دادستان‌ها، روسای دادگستری‌ها، قضات و روسای واحدهای ستادی و اداری قوه قضاییه موظف به همکاری با شورای عالی و اداره کل هستند.

پ - تشکیلات، هیات مدیره و انتخابات کانون‌های وکلا

۳۸- هدف از تشکیل این اداره کل پیگیری مصوبات شورای عالی و هماهنگی بین بخشهای مختلف مرتبط با شورای عالی است.

ماده ۵۰- کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای مستقل، غیر انتفاعی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است که در مرکز استان تشکیل می‌شود.^{۳۹} محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص خواهد شد.^{۴۰} وظایف کانون وکلا به شرح زیر است:

- ۱ - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛
 - ۲ - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلاء؛
 - ۳ - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلای دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلاء؛
 - ۴ - معاضدت قضایی؛
 - ۵ - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلاء؛^{۴۱}
- ماده ۵۱- کانون وکلاء از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:
- الف- هیأت عمومی؛
 - ب- هیأت مدیره؛
 - پ- دادسرای انتظامی وکلا
 - ت - دادگاه انتظامی وکلاء.^{۴۲}

۳۹- ماده ۱ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود.

۴۰- تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت: «محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص خواهد شد.»

۴۱- ماده ۶ لایحه استقلال: الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.

ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلاء و کارگشایان.

ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلاء و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلاء.

د - معاضدت قضایی.

ه - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلاء.

۴۲- ماده ۱ لایحه استقلال «... کانون وکلاء از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:

الف - هیأت عمومی.

ب - هیأت مدیره.

ج - دادسرای انتظامی وکلاء.

د - دادگاه انتظامی وکلاء

محرماتنه

ماده ۵۲- کانون وکلای هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد. هیأت مدیره کانون وکلای مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر کانون‌ها مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل است.^{۴۳}

ماده ۵۳- هیأت مدیره عهده‌دار امور مربوط به کانون است. رئیس هیأت مدیره، سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است. رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.^{۴۴}

ماده ۵۴- بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.^{۴۵}

ماده ۵۵- هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون شرکت کنند:

الف - وکلاء پایه یک و دو دادگستری مشروط بر این که:

۱- محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

۲- در حال تعلیق از وکالت نباشند.^{۴۶}

۴۳ ماده ۲ لایحه قانونی: «کانون وکلاء هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاه‌های استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیأت مدیره عهده‌دار امور مربوط به کانون بوده و رئیس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.»

۴۴- ماده ۲ لایحه قانونی

۴۵- تبصره ماده ۲ لایحه قانونی

۴۶- ماده ۳ لایحه قانونی: «ماده ۳ - هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف - وکلاء پایه یک و دو دادگستری مشروط بر این که:

۱- محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

۲- در حال تعلیق از وکالت نباشند.



محرم‌مانه

ماده ۵۶- رئیس کانون نسبت به کلیه کارمندان اداری و دفتر کانون سمت ریاست مستقیم دارد و رئیس هیأت مدیره و مسئول بررسی شکایت و اختلافات وکلاء و کارآموزان از یکدیگر است. اجرای تصمیمات هیأت مدیره به عهده اوست و همچنین می‌تواند تقاضای تعقیب انتظامی وکیل متخلف را کند^{۴۷}.

ماده ۵۷- کلیه درآمدها و هزینه‌های هر کانون باید ثبت و ضبط شود و حساب درآمد و هزینه آن شفاف باشد.

ماده ۵۸ - اعضای هیأت مدیره (اعم از اصلی و علی‌البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند^{۴۸}:

۱ - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام؛

۲ - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی؛

۳ - نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری؛

۴- نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است؛

۵- عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت؛

۶- عدم عضویت و هواداری از گروه‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران؛

۷- عدم عضویت در احزاب ممنوعه^{۴۹}؛

۴۷ - ماده ۲۰ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «رئیس کانون وکلا نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد و ریاست هیئت‌مدیره به عهده او است و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات وکلا و کارآموزان و کارگشایان از یکدیگر در امور مربوط به شغل‌شان می‌باشد و همچنین ناظر اعمال و رفتار کلیه وکلا و کارآموزان و کارگشایان بوده و می‌تواند خبط و خطا و انحرافات شغلی آنان را کتباً تذکر دهد و تعقیب انتظامی وکیل متخلف را از داسرای انتظامی بخواهد اجراء تصمیمات هیئت مدیره کانون نیز به عهده او خواهد بود.»

۴۸- ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: ماده ۴ - اعضای هیات مدیره (اعم از اصلی و علی‌البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج دریندهای (الف) تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می‌گردند:

الف - داشتن حداقل ۳۵ سال سن.

ب - حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد.

ج - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر.

د - عدم اشتها به فساد اخلاق (سوء شهرت)

ه- عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل وکالت.



۸ - عدم اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان و عدم مصرف مشروبات الکلی؛

۹ - داشتن حداقل ۳۵ سال سن؛

۱۰ - داشتن حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت مشروط بر آن که

از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد؛

۱۱ - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر؛

۱۲ - عدم اشتهار به فساد اخلاق (سوء شهرت)؛

۱۳ - عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغل وکالت؛

ماده ۵۹ - مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت مدیره، دادگاه عالی انتظامی قضات است.

مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به ارسال پاسخ است.^{۵۰}

ماده ۶۰ - دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است ظرف دو ماه پس از اعلام اسامی نامزدها از طرف

کانون ضمن استعلام سوابق داوطلبان از مراجع ذیربط از جمله وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه،

اداره کل سجل کیفری صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند. رئیس قوه قضائیه می تواند یک یا چند شعبه از

شعب دادگاه عالی انتظامی قضات را برای انجام این امر اختصاص دهد.

ماده ۶۱ - در صورتی که پس از اعلام نظر شعبه دادگاه عالی انتظامی قضات مبنی بر رد صلاحیت داوطلبان

عضویت در هیأت مدیره کانون، اطلاعات، مدارک و یا مستندات جدیدی به دست آید که در تصمیم قبلی این

۴۹ - تبصره ماده ۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا « رییس و اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء رؤساء و اعضای دادگاههای انتظامی وکلاء و دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی وکلاء نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آن را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره و دادگاه و دادرسیهای انتظامی وکلاء محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند رأی دادگاه قطعی است.»

۵۰ - تبصره ۱ ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذیربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می باشند.

تبصره ۲ - انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون بطور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می باشد.»

دادگاه مؤثر باشد، دادگاه عالی انتظامی تا قبل از شروع برگزاری انتخابات می تواند بر اساس مدارک و مستندات جدیدالتحصیل در مورد تأیید صلاحیت داوطلبان اظهار نظر کند.^{۵۱}

ماده ۶۲- انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون بطور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع است.^{۵۲}

ماده ۶۳- هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز، از میان خود یک نفر رییس و دو نفر نایب رییس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می نماید و در سایر حوزه ها هیأت مدیره مرکب از یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.^{۵۳} رعایت ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت الزامی است.^{۵۴}

ماده ۶۴- هیئت مدیره هر کانون چهار ماه پیش از انقضای هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیئت عمومی دارند، چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به عنوان عضو علی البدل به رأی مخفی از خارج هیئت مدیره انتخاب می کند که هیأت نظارت بر انتخابات را تشکیل می دهند. رییس کانون، رییس هیأت نظارت بر انتخابات است. هر یک از اعضاء اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی البدل به جای او دخالت خواهد کرد.^{۵۵}

ماده ۶۵- حداقل دو ماه قبل از انقضای هر دوره «هیأت نظارت بر انتخابات» تشکیل جلسه داده و اعلامیه ثبت نام از متقاضیان عضویت هیأت مدیره را منتشر می کند.

۵۱- این ماده یک ماده ارفاقی است. بر اساس این ماده اگر کسی در فرجه قانونی تأیید صلاحیت شود دیگر نمی توان صلاحیت او را رد کرد زیرا فرض بر این است که دادگاه با بررسی کامل او را قبول نموده است. ولی اگر رد شد، چون تصمیم دادگاه قطعی است به نوعی امکان بازنگری در تصمیم به نفع متقاضی فراهم شده است.

۵۲- تبصره ۲ ماده ۴ قانون کیفیت: «انتخاب اعضای هیات مدیره کانون بطور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می باشد.»

۵۳- ماده ۵ لایحه استقلال

۵۴- ماده ۴ - اعضای هیات مدیره (اعم از اصلی و علی البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف) تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می گردند:
الف - داشتن حداقل ۳۵ سال سن.

ب - حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد.

ج - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر.

د - عدم اشتها به فساد اخلاق (سوء شهرت)

ه - عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل وکالت.

۵۵- ماده ۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «هیئت مدیره دو ماه به انقضای هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیئت عمومی دارند چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به عنوان عضو علی البدل به رأی مخفی از خارج هیئت مدیره انتخاب می نماید که به ریاست رئیس کانون هیئت نظارت انتخاب هیئت مدیره بعد از تشکیل داده و به انتخاب آن اقدام نمایند.

تبصره - هر یک از اعضاء اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی البدل به جای او دخالت خواهد کرد.»

ماده ۶۶- صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند ، ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیئت نظارت از طرف کانون به هیئت مزبور داده می‌شود.^{۵۶}

ماده ۶۷- داوطلبین عضویت در هیأت مدیره ظرف یک هفته پس از اعلام شخصاً در محل تعیین شده توسط هیأت نظارت بر انتخابات ثبت نام می‌نمایند. کانون اسامی وکلایی که حق انتخاب شدن و انتخاب کردن دارند ، ظرف مدت مذکور به هیأت نظارت اعلام خواهد کرد.

ماده ۶۸- هیأت نظارت اسامی افراد واجد شرایط را که صلاحیت آنان مورد تأیید قرار گرفته‌است ، به همراه زمان و مکان انتخابات تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی و در پایگاه اینترنتی کانون اعلام می‌نماید. فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از بیست روز باشد. یک نسخه از آگهی برای

وکلایی که حق انتخاب کردن دارند ارسال می‌شود.^{۵۷}

ماده ۶۹- اگر روز جلسه مصادف با تعطیلی شد روز بعد تشکیل می‌شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود.^{۵۸}

ماده ۷۰- در وقت مقرر، جلسه هیأت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو هیأت نظارت صندوق ضبط آرا را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضران ارائه داده آن را لاک و مهر می‌کند و سپس شروع به اخذ آرا می‌کند. هیچ گونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیأت عمومی جایز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است.^{۵۹}

۵۶- ماده ۲ آیین نامه سال ۱۳۳۴: « صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند در ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیئت نظارت از طرف کانون به هیئت مزبور داده می‌شود.»

۵۷- ماده ۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴: « وقت و محل تشکیل هیئت عمومی برای انتخاب هیئت مدیره باید از طرف هیئت نظارت تعیین و تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار (به تشخیص هیئت نظارت) آگهی شود و فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از ۲۰ روز باشد و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی باید برای کسانی که حق حضور در هیئت عمومی دارند فرستاده شود.»

۵۸- ماده ۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: « اگر روز جلسه مصادف با تعطیل شد روز بعد تشکیل می‌شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود.»

۵۹- ماده ۵ آیین نامه ۱۳۳۴: « در وقت مقرر جلسه هیئت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو هیئت نظارت صندوق ضبط آراء را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضرین ارائه داده آن را لاک و مهر می‌نماید و بعد شروع به گرفتن آراء می‌کند و هیچگونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیئت عمومی جائز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است.»

ماده ۷۱- انتخاب جمعی و مخفی است و باید رأی روی اوراقی که به مهر هیأت نظارت رسیده است، نوشته شود و رأی دهنده پس از ارائه پروانه وکالت رأی خود را در صندوق آرا ببندد و در صورت اسامی واجدین شرایط انتخاب کردن، مقابل اسم خود را امضاء نماید. با هر دفترچه وکالت تنها از صاحب آن و یک رأی اخذ می‌شود.^{۶۰}

ماده ۷۲- حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده رأی ندهند، ساقط است.^{۶۱}

ماده ۷۳- پس از اتمام اخذ آرا اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می‌شود، در غیر این صورت هیأت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌کند و بر هر ورقه که قرائت شود مهر «قرائت شد» حک و برگه ضبط خواهد شد.^{۶۲}

ماده ۷۴- آرای که دارای نشان یا امضاء باشد باطل است؛ اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زائد بر عده‌ای که باید انتخاب شوند، قرائت نخواهد شد.^{۶۳}

ماده ۷۵- آرا قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیأت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج، مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد.^{۶۴}

ماده ۷۶- از واجدین شرایط انتخاب شدن، افراد دارای رأی بیشتر عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضای اصلی بیش از سایرین دارای رأی باشند عضو علی‌البدل خواهند بود.^{۶۵}

ماده ۷۷- مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آرا می‌باشد و شکایت از کسانی که حق رأی دادن دارند، پذیرفته است.^{۶۶}

۶۰- ماده ۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «انتخاب جمعی و مخفی است و باید رأی روی اوراقی که به مهر هیئت نظارت رسیده نوشته شود و رأی دهنده پس از ارائه پروانه وکالت رأی خود را در صندوق آراء ببندد و در صورت اسامی واجدین شرایط انتخاب کردن مقابل اسم خود را امضاء نماید»

۶۱- ماده ۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رأی ندهند ساقط است.»

۶۲- ماده ۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از اتمام اخذ آراء اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می‌شود والا هیئت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌نماید و بر هر ورقه که قرائت شد مهر قرائت شد زده و ضبط خواهد شد.»

۶۳- ماده ۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «آرائی که دارای نشان یا امضاء باشد باطل است و اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زائد بر عده که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد»

۶۴- ماده ۱۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «آراء قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیئت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد.»

۶۵- ماده ۱۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «از واجدین شرایط انتخاب شدن کسانی که دارای رأی بیشتر هستند عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضای اصلی بیش از سایرین دارای رأی می‌باشند عضو علی‌البدل هستند.»

محرمانه

ماده ۷۸- مرجع رسیدگی به شکایات «هیأت نظارت بر انتخابات» است. هیأت مذکور مکلف است ظرف سه روز به شکایات رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آرا اعلام کند. در صورت وقوع تقلب در انتخابات در صورتی که قابل تدارک و جبران نباشد، انتخابات ابطال و تجدید می‌شود.^{۶۷}

ماده ۷۹- کسی که بر تصمیم هیئت نظارت معترض است می‌تواند به‌وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی انتظامی قضاات شکایت کند. مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیئت نظارت است و دادگاه مزبور حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول شکایت، رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.^{۶۸}

ماده ۸۰- پس از اتمام انتخابات و تعیین نتیجه قطعی، رئیس هیأت نظارت اسامی منتخبان را اعلام و آنان را برای تشکیل هیأت مدیره قبل از تاریخ هفتم اسفندماه (که روز جشن کانون است) دعوت می‌کند.^{۶۹}

ماده ۸۱- منتخبان از میان خود سمت رئیس و نواب رئیس و منشی‌ها و بازرسان را بالحاظ شرایط ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دادگستری تعیین می‌کنند. انتخاب بازرسان و منشیان هیئت‌مدیره پس از انتخاب رئیس و نواب رئیس به عمل خواهد آمد.^{۷۰}

ماده ۸۲- رئیس هیأت نظارت هر کانون پس از اتمام انتخابات و تعیین نتیجه قطعی، گزارشی جامع از روند برگزاری انتخابات و دلایل ابطال یا پذیرش نتیجه انتخابات را به دبیرخانه شورای عالی ارسال می‌کند.

۶۶- ماده ۱۲ آیین نامه ۱۳۳۴: «مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آراء می‌باشد و شکایت از کسانی که حق رأی دادن دارند پذیرفته است.»

۶۷- ماده ۱۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «مرجع رسیدگی به شکایات هیئت نظارت انتخابات است و مکلف است ظرف سه روز به شکایت رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آراء اعلام نماید.»

۶۸- ماده ۱۴ آیین نامه ۱۳۳۴: «کسی که بر تصمیم هیئت نظارت معترض است می‌تواند به‌وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی انتظامی قضاات شکایت نماید مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیئت نظارت است و دادگاه مزبور منتهی در ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول شکایت رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.»

۶۹- ماده ۱۵ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از اتمام انتخاب و تعیین نتیجه قطعی رئیس هیئت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنان را برای تشکیل هیئت مدیره (قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه که روز جشن کانون است) دعوت می‌نماید.»

۷۰- ماده ۱۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «انتخاب هیئت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی بطوری فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می‌آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آئین‌نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود. تبصره - رئیس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون‌ها دارای چهار رأی باشد.» - ماده ۱۷ آیین نامه ۱۳۳۴- جلسه هیئت‌مدیره برای انتخاب رئیس به ریاست مسن‌ترین اعضاء اصلی حاضر هیئت‌مدیره تشکیل می‌شود و دو نفر جوان‌ترین اعضاء موقتاً سمت منشی‌گری خواهند داشت.»



ماده ۸۳- در صورت ابطال انتخابات، تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود. در این صورت تا تعیین هیأت مدیره جدید، هیأت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد کرد^{۷۱}.

ماده ۸۴- جلسه هیأت مدیره برای انتخاب رییس به ریاست مسن ترین اعضاء اصلی حاضر هیأت مدیره تشکیل می شود و دو نفر از جوان ترین اعضاء موقتاً سمت منشی گری خواهند داشت.^{۷۲}

ماده ۸۵- انتخاب هیأت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی به طور فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می آید.^{۷۳}

ماده ۸۷- اداره جلسات هیأت مدیره در غیبت رییس با یکی از نواب رییس است؛ تقسیم وظایف بین اعضاء هیئت رئیسه به موجب آئین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.^{۷۴}

ماده ۸۸- در صورتی که یکی از اعضاء اصلی هیأت مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت کند، یکی از اعضاء علی البدل که رأی او بیشتر است به عضویت اصلی قائم مقام او خواهد شد و عضو غایب، قائم مقام عضو مزبور خواهد شد. تشخیص موجه بودن عذر غیبت بر عهده اکثریت نسبی سایر اعضاء هیأت مدیره است.^{۷۵}

ماده ۸۹- رییس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون ها دارای چهار رأی باشد.^{۷۶}

ماده ۹۰- دعوت هیأت مدیره و هیأت عمومی و کلا به عهده رییس کانون است.^{۷۷}

ت - وظایف، اختیارات و اصول رفتار حرفه ای وکلا؛

ماده ۹۱- اهم وظایف وکلا به شرح زیر است^{۷۸}:

۷۱- ماده ۱۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورت ابطال انتخاب تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود در این صورت تا تعیین هیئت مدیره جدید هیئت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود.»

۷۲- ماده ۱۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «جلسه هیئت مدیره برای انتخاب رییس به ریاست مسن ترین اعضاء اصلی حاضر هیئت مدیره تشکیل می شود و دو نفر جوان ترین اعضاء موقتاً سمت منشی گری خواهند داشت.»

۷۳- ماده ۱۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «انتخاب هیئت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی بطوری فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آئین نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود.»

۷۴- ماده ۲۵ آیین نامه ۱۳۳۴: «اداره جلسات هیئت مدیره در غیبت رییس با یکی از نواب رییس می باشد. تقسیم کار و وظایف بین اعضاء هیئت رئیسه ضمن آئین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.»

۷۵- ماده ۲۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که یکی از اعضاء اصلی هیئت مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نماید یکی از اعضاء علی البدل که رأی او بیشتر است به عضویت اصلی قائم مقام او خواهد شد و عضو غائب قائم مقام عضو مزبور خواهد گردید.»

۷۶- تبصره ماده ۱۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «رییس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون ها دارای چهار رأی باشد.»

۷۷- ماده ۲۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «دعوت هیئت مدیره و هیئت عمومی و کلا به عهده رییس کانون است.»

- ۱- اهتمام به صلح و سازش پیش از طرح دعوا در مرجع قضایی و در تمام مراحل رسیدگی؛
 - ۲- مشاوره حقوقی، از جمله در انعقاد قراردادها، عقود و ایقاعات؛
 - ۳- داوری و میانجی‌گری در خارج از دادگستری با رعایت مقررات قانونی؛
 - ۴- تنظیم لوایح و دادخواست و شکوائیه؛
 - ۵- همکاری و همراهی با موکل یا به نمایندگی موکل در نزد مراجع قضایی و دولتی؛
 - ۶- انعقاد قرارداد خصوصی در خصوص اخذ حق الوکاله یا انعقاد قرارداد برابر تعرفه؛
 - ۷- پیگیری امور موکل و حضور در انجام تحقیقات و دادرسی بر اساس ضوابط قانونی؛
 - ۸- ارائه رسید درمقابل وجوه و اسناد دریافتی از موکل؛
- ماده ۹۲- وکلا موظفند به منظور جلوگیری از اطاله رسیدگی یا ارجاع پرونده به شعبی خاص، دادخواست ناقص ندهند و بی‌دلیل به ایرادات دادرسی متوسل نشوند.
- ماده ۹۳- وکلا باید نسبت به احقاق حق و جلوگیری از ظلم اهتمام کنند. لذا در مواردی که شائبه تضییع حقوق مردم وجود دارد، مکلفند موکلین را به رفع ستم ارشاد نمایند.
- ماده ۹۴- وکلا موظفند از تشویق موکل به طرح شکایت در مراجع نظارتی به منظور ارباب قضای رسیدگی کننده خودداری کنند.
- ماده ۹۵- پوشش و لباس وکلاء در محیط دادگاه‌ها و محل کار (دفتر) باید مناسب شأن ایشان و منزلت حرفه‌ای وکالت باشد. بانوان وکیل ملزم به حفظ عفاف و حجاب کامل اسلامی و رعایت سادگی و متانت در محیط دادگستری‌ها، مراجع قضایی، زندان‌ها، دفتر کار و در حین ملاقات با موکلین هستند و محاکم مکلفند در مورد وکلایی که رعایت شئون وکالت و ضوابط اسلامی و پوشش مناسب را نمی‌کنند، مراتب را به کانون اعلام کنند و کانون موظف به رسیدگی طبق مقررات این آیین نامه و اعلام نتیجه است.
- ماده ۹۶- وکلا ضامن امنیت اخلاقی دفتر کار خود بوده و نسبت به رعایت موازین شرعی و پوشش مناسب و رعایت عفاف و تقوی در دفتر کار مسئول هستند.
- ماده ۹۷- وکلاء موظفند در محل مناسبی در حوزه مندرج در پروانه خود، دارای دفتر باشند و ساعات معینی را برای مراجعات مردم اختصاص دهند.

۷۸- ماده ۲۵ قانون وکالت: «وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین مینماید متابعت نمایند.»

ماده ۹۸- وکیل در برابر اشخاص ثالث، مقامات قضایی و همکاران خود دارای مسئولیت قانونی است و در صورت تخلف از قوانین و مقررات باید از عهده خسارت وارده برآید و نسبت به رعایت این اصول دقت کافی کند:

- ۱- حمایت از مظلوم و مساعدت در احقاق حقوق عامه و معاضدت به افراد بی بضاعت؛
- ۲- رعایت نظم و انضباط شغلی، ایجاد بایگانی منظم و عمل به مقررات و اخلاق حرفه‌ای؛
- ۳- اطلاع کافی و به‌روز و عمل به مقررات و قوانین ماهوی و شکلی در نزد محاکم و در روابط خصوصی و عدم نقض قوانین در زندگی شخصی؛
- ۴- پرداخت مالیات‌های حرفه‌ای و سایر وجوهی که مطابق قوانین و مقررات موظف به پرداخت آن است؛
- ۵- رعایت احترام، ادب و متانت در برابر همکاران و قضات؛

۶- صداقت در رفتار و گفتار و عدم استفاده از حيله و نیرنگ در پیشبرد امور وکالت؛

ماده ۹۹ - وکیل باید حساسی دقیق داشته باشد و نحوه دریافت و هزینه‌های خود را مشخص کند و حساب خود را به تدریج به موکل اطلاع دهد.

ماده ۱۰۰ - وکیل در صورتی که صرفاً موکلی را به همکار خویش معرفی کند، نمی‌تواند از وی به هر عنوان وجهی دریافت کند.

ماده ۱۰۱ - اگر دو یا چند نفر وکالت از یک پرونده را عهده‌دار شوند، باید در قرارداد، سهم هر یک از حق‌الوکاله معین شود، در صورتی که قراردادی در بین نباشد، حق‌الوکاله مساوی فرض می‌شود. در هر صورت هریک از وکلا باید به نسبت سهم خود تمیر مالیاتی ابطال کند.

ماده ۱۰۲- از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند، هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر، پذیرفته نمی‌شود. هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد، باید به یکی از دو مرجع قضایی که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.^{۷۹}

۱۰۳- وکلا در خصوص تقدم حضور در محاکمات کیفری بر حقوقی و محاکمات جزایی نسبت به یکدیگر، موظف به رعایت ماده ۲۸ قانون وکالت اصلاحی مصوب ۱۳۴۶ هستند.^{۸۰}

۷۹- ماده ۲۹ قانون وکالت: «از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی‌شود. هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.»

ماده ۱۰۴- اگر دو یا چند نفر به یک نفر وکیل وکالت بدهند، هریک بالمناصفه یا به نسبت تعدادشان، مسئول پرداخت حق الوکاله هستند، مگر خلاف آن تصریح شود.

ماده ۱۰۵- وکلای دادگستری نمی‌توانند به شغل دیگری که منافای با حیثیت و شئون وکالت است، اشتغال ورزند.^{۸۱}

ماده ۱۰۶- وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیت و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.^{۸۲}

ماده ۱۰۷- وکلا باید وکالت تسخیری و معاضدتی حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و مقررات به آنها ارجاع می‌شود، قبول نمایند.^{۸۳}

۸۰- ماده ۲۸ قانون وکالت اصلاحی ۱۳۴۶: «در صورتیکه وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنائی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنائی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و بدادگاه یا دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد.

در صورتیکه وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنائی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم میدانده حاضر میشود و به دادگاه‌های دیگر لایحه می‌فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام میدارد.

جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در اینصورت یا بدادگاه مذکور وکیل دیگری می‌فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی احضاریه دادگاه جنائی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه میکند و در صورت اخیر جلسه فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره ۱- وکیل باید دادگاه جنائی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتیکه در دو یا چند دادگاه جنائی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه‌های مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

تبصره ۲- عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی بعمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمیشود و دادگاه برسدگی ادامه میدهد.

تبصره ۳- هرگاه جلسه دادگاه جنائی یا هر دادگاه جزائی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد بمعاذیر قانونی وکیل تجدید شود رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را بوکیل مذکور ابلاغ کند هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع میکند و دادگاه حکم خواهد داد.

۸۱- ماده ۴۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کارآموزان و همچنین وکلا دادگستری نمی‌توانند به شغل دیگری که منافای با حیثیت و شئون وکالت است اشتغال ورزند.»

۸۲- ماده ۳۰ قانون وکالت ۱۳۱۵: «وکیل باید اسراری که بواسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

۸۳- ماده ۲۱ قانون وکالت: «ماده ۳۱- وکلاء باید وکالت انتخابی حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و نظامات بآنها ارجاع میشود قبول نمایند.

تبصره - مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزائی و از طرف کانون در امور حقوقی بآنها ارجاع میشود.»

ماده ۱۰۸- وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله کنند و نسخه‌ای از وکالت‌نامه را به مرجع قضایی تسلیم کنند.^{۸۴} مبلغ حق الوکاله باید به طور مشخص در قرارداد قید و از ذکر عبارات کلی و مبهم مانند «طبق توافق» یا «علی الحساب» خودداری شود.

ماده ۱۰۹- در اجرای ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم و مقررات مواد ۵۳ و ۵۴ و ۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، وکلای دادگستری موظفند وکالت‌نامه خود را پس از الصاق و ابطال تمبر مالیاتی به میزان مقرر در قانون، پیوست دادخواست به دادگاه تقدیم نمایند. در صورت عدم انجام این امر، دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود؛ لیکن برای به جریان انداختن آن مدیر دفتر، نقایص دادخواست را به خواهان اطلاع می‌دهد و طبق قانون رفتار خواهد کرد.^{۸۵} در مورد سایر دعاوی نیز وکلا موظفند مالیات‌های قانونی را بر اساس شرایط و مبالغ مندرج در قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند.^{۸۶}

ماده ۱۱۰- دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او، علاوه بر میزان مورد توافق به عنوان حق الوکاله و افزون بر هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و سایر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی، تحت هر اسم و هر عنوان از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن ممنوع است.^{۸۷}

ماده ۱۱۱- وکلا نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی کرده‌اند، قبول وکالت نمایند.^{۸۸}

۸۴ ماده ۳۲ قانون وکالت: «وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را بضمیمه وکالت‌نامه بدفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل بویکل میسپارد و همچنین قبوض وجوهی که وکیل دریافت می‌دارد مطابق نمونه‌ایست که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد»

ماده ۳۳ قانون وکالت: «قرارداد حق الوکاله که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود باید بترتیب تصاعد نسبت بمدعی به و نسبت بمراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود.

میزان خسارتی که محکوم‌له میتواند از محکوم‌علیه مطالبه نماید همچنین میزان مخارج مسافرت‌هایی که وکلاء عدلیه برای امور وکالتی مینمایند نیز مطابق تعرفه‌ایست که وزارت عدلیه تنظیم مینماید»

۸۵- رای وحدت رویه شماره ۷۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور

۸۶- ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم

۸۷- ماده ۳۴ قانون وکالت: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه بهر اسم و هر عنوان که باشد ولو بعنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب بمجازات انتظامی از درجه پنج بی‌الا محکوم میشود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتیکه وکیل این عمل را بطور حیله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر بعنوان دیگر و در باطن راجع بعمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.»

ماده ۱۱۲- در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود، از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل تبانی کرده و در اثر این تبانی حق موکل را تضییع سازد، به محرومیت دائمی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه کند.^{۸۹}

ماده ۱۱۳- وکلا مکلفند در مکاتبات، مصاحبه با رسانه‌ها، اظهار نظر یا فعالیت در فضای مجازی حیثیت و شرافت شغل وکالت را مراعات و از اظهارات و اقدامات خلاف شرع و قانون پرهیز کنند.

ماده ۱۱۴- وکلاء باید دارای دفتر منظم باشند و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است، ثبت و ضبط نمایند.^{۹۰}

ماده ۱۱۵- وکلاء باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است، در اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتبا اطلاع دهند به نحوی که حقی از موکل تضییع نگردد.^{۹۱}

ماده ۱۱۶- وکلاء باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌کنند، اعم از حقوقی و جزائی مخصوصاً در اقامه دعوی جزایی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق‌الوکاله به موکل خاطر نشان سازند.^{۹۲}

ماده ۱۱۷- در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد، مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.^{۹۳}

۸۸- ماده ۴۰ قانون وکالت: «وکلاء نمی‌توانند نسبت بموضوعی که قبلاً بواسطه سمت قضائی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.»

۸۹- ماده ۴۱ قانون وکالت: در صورتیکه خیانت وکیل نسبت بموکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید بمحرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل میتواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.»

۹۰- ماده ۴۳ قانون وکالت: «وکلاء باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع بامر وکالت است ثبت و ضبط نمایند - طرز تنظیم و نگهداری آنرا دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء معین خواهد نمود و حفظ دفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.»

۹۱- ماده ۴۴ قانون وکالت: «وکلاء باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است باسرع اوقات بموکل یا متصدی امور او کتبا اطلاع دهند بطوریکه تفویض حقی از او نشود.»

۹۲- ماده ۴۵ قانون وکالت: «وکلاء باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امریکه نسبت بان قبول وکالت مینمایند اعم از حقوقی و جزائی مخصوصاً در اقامه دعوی جزائی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق‌الوکاله بموکل خاطر نشان نمایند.»

ماده ۱۱۸- وکلا حق ندارند به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر، درجه، میزان تحصیلات و تخصص خود را بالاتر از پروانه‌ای که دارند، معرفی کنند یا از عناوین غیر واقعی مانند سابقه قضاوت و یا عضویت در هیأت علمی دانشگاه‌ها و نظایر آن استفاده نمایند. استفاده از شیوه‌های تبلیغاتی موهن و خلاف شئون وکالت ممنوع است. ماده ۱۱۹- وکلا حق ندارند با توسل به وسایل فریبنده، تحصیل وکالت نمایند و با وعده‌های غیر واقعی از قبیل تضمین نتیجه رسیدگی، موکل را به انعقاد قرارداد، اغوا نمایند یا با این عناوین تبلیغ کنند.

ث- تشویق و ارتقاء وکلا

ماده ۱۲۰- وکلاء با شرایط ذیل مورد تشویق قرار می‌گیرند:

۱- اهتمام به تنظیم صورت‌جلسه اصلاحی و ایجاد صلح و سازش که موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.^{۹۴}

۲- اهتمام به احقاق حق برای موکلین معاضدتی و تسخیری که در این صورت از تخفیف مجازات‌های انتظامی به میزان یک درجه برخوردار خواهد شد.

۳- ارتقاء سطح علمی دانشگاهی، تألیف و ترجمه آثار حقوقی و تدوین مقالات معتبر علمی که موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۴- انجام وکالت با نرخ ارزان و جلب رضایت مردم، موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۵- همکاری مؤثر و مفید و مجانی با تشکل‌های صنفی مرتبط و مؤسسات خیریه موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۶- رعایت اصول فعالیت حرفه‌ای و شرافت و رازداری و کمک و مساعدت در احقاق حق که با تشخیص مرجع قضایی و معرفی به کانون که موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون و درج در پرونده می‌شود.

ماده ۱۲۱- وجود یک یا چند جهت از جهات تشویق موجب اولویت انتقال به شهر یا استان دارای سطح بالاتر در صورت تقاضای انتقال خواهد شد.

۹۳- ماده ۱۲ لایحه استقلال: «در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته‌باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.»

۹۴- در آیین نامه سال ۱۳۸۸ تخفیف هزینه تمدید پروانه پیش بینی شده بود. به دلیل اینکه هزینه تمدید پروانه در قوانین بودجه به عنوان تعرفه خدمات قضایی پیش بینی می‌شود، معافیت یا تخفیف آن در آیین نامه وجاهت قانونی ندارد.

ماده ۱۲۲ - اتخاذ تصمیم به منظور تشویق وکلای دادگستری پس از احراز شرایط تشویق بر عهده هیأت‌مدیره کانون است.

ماده ۱۲۳ - از آنجا که تبصره ۳ ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰، وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است، کلیه کارکنان اداری و مقامات قضایی و ضابطان موظفند در برخورد با وکلای دادگستری ضمن حفظ کرامت آن‌ها بر مبنای اخلاق اسلامی، موازین شرعی و قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند.

ماده ۱۲۴ - هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین کند، به موجب ماده ۲۰ لایحه قانونی قابل تعقیب خواهد بود.

ماده ۱۲۵ - وکلایی که تقاضای ترفیع می‌کنند، باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی، گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیل درج می‌شود، اخذ کنند:

در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس حوزه قضایی و دادستان شهرستان برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد، گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگستری استان و دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان برسد.

تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از مراجع قضایی تابعه، مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.^{۹۵}

ماده ۱۲۶ - با احراز شرایط ذیل، وکیل می‌تواند به درجه بالاتر وکالت نائل شود:

- ۱ - اشتغال به وکالت دست کم به مدت سه سال در درجه دوم؛
- ۲ - حسن انجام وظیفه در دادگاه‌های مربوطه و حسن انجام معاضدت‌هایی که به او ارجاع شده است؛

۹۵- ماده ۱۱ لایحه استقلال: «وکلایی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیل درج می‌گردد اخذ نمایند. در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم‌مقام آنها برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان برسد. تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوائر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۴۸ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «تقاضای ترفیع باید بعد از انقضاء مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهی‌نامه حسن انجام وظیفه در دادگاه‌ها از رؤساء دادگاه‌ها و حسن انجام کارهای معاضدت قضائی یا عدم رجوع آن از شعبه معاضدت قضائی و گواهی رعایت آئین‌نامه‌ها از دادسرای انتظامی وکلا باید ضمیمه تقاضا باشد.»

۳- پیشرفت علمی و عملی که از طریق اختبار باید احراز شود؛

۴- رعایت ضوابط مربوطه به امر وکالت طبق قوانین و مقررات؛

تبصره - مدت ترفیع نسبت به کسانی که به تنزیل درجه محکوم شده‌اند، از تاریخ حکم قطعی خواهد بود.^{۹۶}

ماده ۱۲۷- تقاضای ترفیع باید بعد از انقضاء مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهینامه حسن انجام وظیفه در مراجع قضایی حسب مورد از رییس حوزه‌های قضایی بخش، رییس دادگستری شهرستان، دادستان شهرستان و مرکز استان و رییس کل دادگستری استان و گواهی حسن انجام کارهای معاضدت قضایی یا عدم ارجاع امر معاضدت قضایی از شعبه معاضدت قضایی و گواهی رعایت آئین‌نامه‌ها از دادرسی انتظامی وکلا باید ضمیمه تقاضا باشد.

ماده ۱۲۸- تقاضاهایی که تا آخر فروردین ماه هر سال شده باشد، از طرف دفتر به نظر رئیس کانون می‌رسد و برای رسیدگی به کمیسیون ترفیع رجوع خواهد شد و تقاضاهائی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد بلااثر می‌ماند.^{۹۷}

ماده ۱۲۹- کمیسیون ترفیع در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیان ترفیع که دارای دانشنامه کارشناسی یا بالاتر هستند، اختیار عملی و از غیر ایشان اختبار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به سایر شرایط نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار می‌دارد.^{۹۸}

ماده ۱۳۰- رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در هیئت مدیره است.^{۹۹}

۹۶- ماده ۴۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «با احراز شرائط ذیل وکیل می‌تواند به درجه بالاتر وکالت نائل گردد:

۱. اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.

۲. حسن انجام وظیفه در دادگاههای مربوطه و حسن انجام معاضدت‌هایی که به او رجوع شده.

۳. ترقی علمی و عملی که از طریق اختیار باید احراز شود.

۴. رعایت نظامات مربوطه به امر وکالت طبق آئین‌نامه‌ها

تبصره - مدت ترفیع نسبت به کسانی که به تنزیل درجه محکوم شده‌اند از تاریخ حکم قطعی خواهد بود.»

۹۷- ماده ۴۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «تقاضاهائی که با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۷ و ۴۸ تا آخر فروردین هر سال شده باشد از طرف دفتر به نظر رئیس کانون می‌رسد و برای رسیدگی به کمیسیون ترفیع رجوع خواهد شد و تقاضاهائی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد بلااثر می‌ماند.»

۹۸- ماده ۵۰ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کمیسیون در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیان ترفیع که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر هستند اختیار عملی و از غیر ایشان اختیار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به سایر شرایط نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار می‌دارد.»

ج - تخلفات و مجازاتها و مرجع انتظامی

ماده ۱۳۲ - دادرسی انتظامی و کلا مرجع رسیدگی به تخلفات و کلاء و تعقیب آنان است و از دادستان و تعداد لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. دادستان انتظامی و کلا یا معاون وی یا هر یک از دادیاران انتظامی، پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشند، کیفرخواست صادر می‌کنند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. در صورتی که بین دادستان و معاون او یا دادیار انتظامی که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با قانون یا آیین نامه، اختلاف حاصل شود، نظر دادستان متبع است.^{۱۰۱}

تبصره - در مورد ماده ۱۵ لایحه استقلال و همچنین در مورد تقاضا از طرف رئیس کانون یا هیأت مدیره در صورتی که دادستان مخالف با تعقیب باشد، صدور کیفرخواست لازم نیست و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی ارجاع می‌شود.

ماده ۱۳۳- قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رییس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاههای انتظامی و کلاء خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی و کلاء قرار منع تعقیب را صحیح نداند، به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید.^{۱۰۲}

۹۹- ماده ۵۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیئت مدیره است و تصمیم هیئت مزبور قطعی است.» قطعی بودن تصمیم هیئت مدیره طی رای وحدت رویه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است.

۱۰۰- ماده ۵۲ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کمیسیون ترفیع به ترتیب مقرر در ماده ۳۵ این آئین نامه تشکیل می‌شود»

ماده ۳۵ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کمیسیون کارآموزی از پنج نفر و کلاپی که واجد شرائط عضویت هیئت مدیره باشند از بین اعضاء هیئت مدیره یا از خارج اعضاء هیئت یا بطور مختلط از طرف هیئت مدیره تعیین می‌شود.»

۱۰۲- ر.ک ماده ۱۳ لایحه قانونی استقلال کانون و کلا - ماده ۶۴ آیین نامه ۱۳۳۴: «دادستان پس از رسیدگی در صورتی که عقیده بر تعقیب داشته باشد ادعای صادر و به دادگاه می‌فرستد و در صورتی که عقیده بر منع تعقیب داشته باشد قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد. در صورتی که بین دادستان و معاون او که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با ماده آئین نامه اختلاف حاصل شود نظر دادستان متبع است.»

۱۰۲- ماده ۱۳ لایحه استقلال کانون و کلا: «دادرسی انتظامی و کلاء مرجع رسیدگی به تخلفات و کلاء و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. دادرسی انتظامی و کلاء پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد

محرمانه

ماده ۱۳۴- دادستان دادگاه انتظامی باید در مرکز، حداقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت و سایر معاونان دارای سی سال سن و پنج سال سابقه وکالت باشند و در خارج مرکز دادستان لااقل باید دارای سی و پنج سال سن و پنج سال سابقه وکالت و معاونین دارای سی سال سن و سه سال سابقه وکالت بوده و هیچ یک محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا و سوء شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج از مرکز، کسی که سابقه وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت. دادستان انتظامی و معاونان وی از میان وکلای درجه یک انتخاب می‌شوند.^{۱۰۳}

ماده ۱۳۵- رسیدگی به تخلفات وکلا به عهده دادگاه انتظامی وکلا است. دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه یک که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد، تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلای درجه یک انتخاب می‌کند که در مورد غیبت یا معذورت اعضا اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند.^{۱۰۴}

ماده ۱۳۶- دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیأت مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.^{۱۰۵}

ماده ۱۳۷- دادگاه انتظامی ممکن است دارای شعب متعدد باشد. در این صورت، پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از دادگاه‌ها ارجاع می‌شود.^{۱۰۶}

کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب از طرف‌شاکلی و رییس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه‌های انتظامی وکلا خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی وکلا قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.»

۱۰۳- در ماده ۱۳ لایحه استقلال قید درجه وکالت برای دادستان انتظامی و معاونین وی پیش بینی نشده است. اما از آنجا که دادستان انتظامی و معاونان وی مرجع تعقیب وکلای درجه یک هم هستند، به حکم منطبق باید هم‌تراز یا بالاتر از آنها باشند. ماده ۵۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «دادستان دادگاه انتظامی باید در مرکز لااقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت و سایر معاونین دارای سی سال سن و پنج سال سابقه وکالت باشند. و در خارج مرکز دادستان لااقل باید دارای سی و پنج سال سن و پنج سال سابقه وکالت و معاونین دارای سی سال سن و سه سال سابقه وکالت بوده و هیچ یک محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا و سوء شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج مرکز کسی که سابقه وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت.»

۱۰۴- ماده ۱۴ لایحه استقلال کانون وکلا

۱۰۵- ماده ۵۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیئت مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.»

۱۰۶- ماده ۵۵ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «دادگاه انتظامی در مرکز ممکن است دارای شعب متعدد باشد در این صورت پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از دادگاه‌ها رجوع می‌شود.»



ماده ۱۳۸- انتخاب دادستان و معاونین و دادرسان از طرف هیأت‌مدیره با رأی مخفی و به اکثریت دوسوم اعضا حاضر در جلسه به عمل می‌آید.^{۱۰۷}

ماده ۱۳۹- از بین دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زیادتر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد، مسن‌ترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان برای مخفی یا قرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین می‌نماید.^{۱۰۸}

ماده ۱۴۰- موارد رد و امتناع دادستان و معاونان ایشان و دادرسان همان است که طبق آئین دادرسی مدنی برای دادرسان دادگاه‌های عمومی مقرر است. به علاوه، در موردی که متصدی تحقیقات در دادرسان یا دادرس دادگاه انتظامی، وکیل شاکی یا مشتکی عنه باشد یا شریک وکیل یکی از طرفین باشد، باید از رسیدگی امتناع نمایند.^{۱۰۹}

ماده ۱۴۱- در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد، رسیدگی به دادیار یا معاون دیگر ارجاع می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد، معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد، یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.^{۱۱۰}

ماده ۱۴۲- در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی، دادرس علی‌البدل رسیدگی می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد، از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و در صورت فقدان شعبه دیگر، هیأت‌مدیره به جای اشخاص غائب و ممنوع، از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل جهت رسیدگی تعیین می‌کند.^{۱۱۱}

۱۰۷- ماده ۵۶ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «انتخاب دادستان و معاونین و دادرسان از طرف هیئت‌مدیره برای مخفی و به اکثریت دوتلث اعضا حاضر در جلسه به عمل می‌آید»

۱۰۸- ماده ۵۷ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «از بین دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زیادتر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد مسن‌ترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان برای مخفی یا قرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین می‌نماید.»

۱۰۹- ماده ۵۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «موارد رد و امتناع دادستان و معاونین ایشان و دادرسان همان است که طبق آئین دادرسی مدنی برای دادرسان دادگاه‌های عمومی مقرر است به علاوه در موردی که وکیل شاکی یا مشتکی عنه یا شریک یا وکیل یکی از طرفین بوده ولو شرکت بطور کلی باشد باید از رسیدگی امتناع نمایند»

۱۱۰- ماده ۵۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد رسیدگی به معاون دیگر رجوع می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.»

۱۱۱- ماده ۶۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی دادرس علی‌البدل در رسیدگی دخالت می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و اگر شعبه دیگر نباشد هیئت‌مدیره به جای اشخاص

محرمانه

ماده ۱۴۳ - شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار و کلاء ممکن است کتبی باشد یا شفاهی؛ شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضای شاکی می‌رسد. دادستان شخصاً یا به وسیله یکی از معاونان نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.^{۱۱۲}

ماده ۱۴۴ - به هر طریقی تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به اطلاع رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد، به دادسرا ارجاع می‌کند و دادسرا باید به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده کند.^{۱۱۳}

ماده ۱۴۵ - در صورتی که دادستان، حضور مشتکی‌عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود، براساس محتویات پرونده اتخاذ تصمیم می‌کند.^{۱۱۴}

تبصره - عذر موجه همان است که در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی^{۱۱۵} مقرر است و باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در مهلت تعیین شده برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود. ماده ۱۴۶ - پس از رسیدن کیفرخواست یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده بودن موضوع برای رسیدگی، تصویر کیفرخواست یا تقاضا به وسیله مأمور کانون یا مأمور دادگستری یا پست سفارشی

غائب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل تعیین می‌نماید که در رسیدگی دخالت نمایند.»

۱۱۲ - ماده ۶۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلاء ممکن است کتبی باشد یا شفاهی - شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضاء شاکی می‌رسد. دادستان شخصاً یا به وسیله یکی از معاونین نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.»

۱۱۳ - از هر طریق اطلاعی راجع به تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد به دادسرا رجوع می‌نماید و دادسرا باید به موضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نماید.

۱۱۴ - ماده ۶۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که دادستان حضور مشتکی‌عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرینه صدق نسبتی که به او داده شده تلقی شود. تبصره - عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آئین دادرسی مقرر است و باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در موقع معین برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود» ماده ۶۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴ در قسمتی که عدم حضور را قرینه صدق دعوا دانسته شده طبق رای وحدت رویه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ دیوان عدالت اداری باطل شده است لذا به شرح فوق اصلاح شده است.

۱۱۵ - ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی



یا با استفاده از لوازم ابلاغ الکترونیکی به شخص مورد تعقیب ابلاغ می‌شود. اشخاص مقیم ایران ظرف مدت ۲۰ روز و افراد مقیم خارج از کشور، ظرف مدت دو ماه فرصت دارند تا پاسخ خود را ارسال کنند.^{۱۱۶}

ماده ۱۴۷ - پس از رسیدن جواب یا انقضای مهلت، وقت رسیدگی به اطلاع دادستان می‌رسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم صادر می‌کند. اگر دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می‌شود و اگر توضیحی از شخص مورد تعقیب لازم باشد، صریحاً در صورت مجلس ذکر و ضمن تعیین وقت رسیدگی به او اخطار می‌شود که در موقع معین حاضر شود، شفاهاً توضیح دهد یا توضیحات خود را کتباً به دادگاه بفرستد. چنانچه پاسخ مشتکی‌عنه به موقع نرسد و شخصاً هم حاضر نشده باشد، دادگاه رسیدگی می‌کند و حکم صادر می‌نماید.^{۱۱۷}

ماده ۱۴۸ - دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن ارجاع می‌شود رسیدگی کند و رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف می‌تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین کند. دادگاه در مورد تقاضای تعلیق، باید خارج از نوبت رسیدگی کند و رأی بدهد و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد و یا تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد، باید رسیدگی انتظامی را تا زمان رسیدگی به جنبه کیفری متوقف نماید. در صورتی که جنبه کیفری قضیه، جرم عمومی باشد، دادگاه موظف است مراتب را جهت تعقیب قضیه به مقام قضایی صالح اعلام نماید.^{۱۱۸}

۱۱۶- ماده ۶۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از رسیدن ادعای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده بودن موضوع برای رسیدگی رونوشت ادعای تقاضا به وسیله مأمور کانون یا پست سفارشی دو قبضه به شخص مورد تعقیب ابلاغ می‌شود که در مرکز و اطراف آن تا شعاع شصت کیلومتر در ظرف ده روز پس ابلاغ و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر تا مرکز باشد در ظرف یک ماه هرگونه جوابی دارد بدهد.»

۱۱۷- ماده ۶۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از رسیدن جواب یا انقضای مهلت وقت رسیدگی به اطلاع دادستان می‌رسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم می‌دهد و اگر توضیحی دادستان لازم بداند یا دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می‌شود و اگر توضیح از اشخاص مورد تعقیب لازم باشد صریحاً در صورت مجلس ذکر و ضمن اخطار وقت رسیدگی به او اخطار می‌شود که در موقع معین حاضر شده شفاهاً توضیح دهد یا توضیحات خود را کتباً به دادگاه بفرستد چنانچه پاسخ مشتکی‌عنه در موقع نرسد و شخصاً هم حاضر نشده باشد دادگاه رسیدگی کرده حکم می‌دهد و حکم مزبور حضوری محسوب است.»

۱۱۸ ماده ۶۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن رجوع می‌شود رسیدگی کرده رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف می‌تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین نماید و در مورد تقاضای تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده رأی بدهد و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد باید رسیدگی را موقوف به فراغ از جنبه کیفری نماید.»

ماده ۱۴۹- مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است. ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده است از کلیه آراء صادره و همچنین دادستان انتظامی وکلا و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌توانند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نمایند. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^{۱۱۹}

ماده ۱۵۰- وکلا مکلفند محل سکونت خود را بطور صریح و روشن به کانون اطلاع دهند به نحوی که مأمور کانون یا دادگستری یا پست بتواند هرگونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ کنند و در صورت تغییر محل باید محل جدید را ظرف ده روز کتباً به کانون اطلاع دهند.^{۱۲۰}

ماده ۱۵۱- کلیه اوراقی که از کانون و دادسرا و دادگاه به وسیله پست سفارشی یا ابلاغ الکترونیک در سراسر کشور به نشانی اعلام شده از سوی وکیل به کانون، فرستاده می‌شود، برابر مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و یا ضوابط مربوط به ابلاغ الکترونیک ابلاغ می‌شود؛ در موارد ابلاغ از طریق پست، چنانچه ثابت شود که اوراق اصلاً به مقصد نرسیده است، ابلاغ تجدید می‌شود. در مواردی که مخاطب از گرفتن اوراق از مأمور کانون یا دادگستری یا پست و رؤیت آنها امتناع کند، اوراق، ابلاغ شده محسوب خواهد شد.^{۱۲۱}

۱۱۹- ماده ۷۵ آیین نامه سال ۱۳۳۴ در قسمتی که برای دادستان و مقامات موضوع ماده ۱۵ و ۱۶ در مورد کلیه احکام حق اعتراض پیش بینی کرده توسط دیوان عدالت ابطال شده است. لذا عین حکم ماده ۱۴ لایحه استقلال در آیین نامه معاونت حقوقی آورده شد. ماده ۱۴ لایحه استقلال: «رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلاء است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلاء پایه ۱ انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی انتظامی وکلاء و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.»

۱۲۰- ماده ۷۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «وکلا مکلفند محل سکونت خود را بطور صریح و روشن به کانون اطلاع دهند که مأمور کانون یا دادگستری یا پست بتواند هرگونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ نمایند و در صورت تغییر محل باید محل جدید را در ظرف ده روز به نحوی که ذکر شده کتباً به کانون اطلاع دهند و اوراقی که به محل مزبور فرستاده می‌شود ابلاغ شده محسوب است.»

۱۲۱- ماده ۷۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کلیه اوراقی که از کانون و دادسرا و دادگاه به وسیله پست سفارشی برای اشخاص فرستاده می‌شود در مرکز تا شعاع شصت کیلومتر پنج روز پس از تسلیم به دفتر پست و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر باشد بیست روز پس از تسلیم به دفتر پست ابلاغ شده محسوب است. مگر کسی که اوراق برای او فرستاده شده ثابت نماید که بعد از مهلت مقرر رسیده که در این صورت تاریخ رسیدن به او تاریخ ابلاغ محسوب است یا ثابت نماید اصلاً نرسیده که در این

ماده ۱۵۲- کانون‌های وکلا می‌توانند با استفاده از امکانات و زیر ساخت‌های مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضاییه نسبت به ایجاد سامانه ابلاغ الکترونیک و سایر تسهیلات مشابه جهت ابلاغ اوقات و اوراق به وکلای دادگستری اقدام کنند. مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضاییه با رعایت ضوابط و مقررات موظف به همکاری جهت بهره‌برداری کانون‌های وکلا از امکانات و تسهیلات مذکور است.

ماده ۱۵۳- تمام مراجع قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضاییه مکلفند پاسخ استعلامات و مکاتبات کانون‌های وکلا و دادسرا و دادگاه‌های کانون را مطابق مقررات تهیه و ارسال نمایند.^{۱۲۲}

ماده ۱۵۴- در صورتی که رییس حوزه قضایی یا دادستان شهرستان و یا رییس کل دادگستری استان یا دادستان شهرستان مرکز استان، تخلفی از وکیل مشاهده کنند که قابل تعقیب باشد، مراتب را کتباً باید به دادسرای انتظامی وکلاء اطلاع دهند. در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت، نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان شهرستان مرکز استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان شهرستان مرکز استان به نظر دادسرای انتظامی وکلاء تسلیم نشد، رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.^{۱۲۳}

صورت ابلاغ تجدید می‌شود. و اوراقی که به وسیله مأمور فرستاده می‌شود تاریخ رساندن آن به‌رؤیت طرف تاریخ ابلاغ شده محسوبست و در موردی که از گرفتن اوراق از مأمور کانون یا دادگستری یا پست و رؤیت آنها امتناع شود ابلاغ شده محسوب خواهد شد. «دیوان عدالت اداری قسمتی از ماده ۷۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴ را باطل کرده است و آیین نامه معاونت حقوقی ایراد را مرتفع کرده است.

۱۲۲- ماده ۷۲ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «مراجع رسمی مکلفند به اسرع اوقات اطلاعاتی را که دادگاه یا دادسرا یا هیئت‌مدیره و شعب کانون می‌خواهد بدهند مگر در موردی که دادن اطلاع قانوناً ممنوع باشد و دادستان‌ها یا نمایندگان ایشان مکلفند تحقیقاتی را که کانون از شاکی یا مشتکی‌عنه یا مطلعین تقاضا می‌نماید انجام داده بفرستند و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.» این ماده از آیین نامه سال ۳۴ توسط دیوان عدالت اداری باطل شده است زیرا متضمن تکلیف برای مراجع رسمی است. لذا در آیین نامه معاونت حقوقی اصلاح شد و تکلیف فقط مربوط به مراجع قضایی گردید. همچنین تکلیف دادستانها به انجام تحقیقات کانون خلاف موازین قضایی است که اصلاح شد. (رای وحدت رویه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)

۱۲۳- ماده ۱۵ لایحه استقلال: «در صورتی که رییس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رییس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد مراتب را کتباً به دادسرای انتظامی وکلاء اطلاع دهند در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به‌نظر دادسرای انتظامی وکلاء تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.»

ماده ۱۵۵- هریک از قضات در راستای وظایف قانونی خود، چنانچه تخلفی از وکیل مشاهده نمایند، مراتب را حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی یا رییس کل دادگستری استان اعلام می کنند تا به شرح ماده فوق عمل شود.

ماده ۱۵۶- دادستان‌ها یا رؤسای حوزه‌های قضایی موظفند رونوشتی از گزارش خود را در خصوص اعلام تخلف وکیل، از طریق رییس کل دادگستری استان برای اداره کل ارسال کنند و تا حصول نتیجه درخواست تعقیب وکیل مذکور، به طور مستمر پیگیری کنند.

ماده ۱۵۷- اختیار رییس قوه قضاییه به شرح مندرج در مواد ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، به معاون حقوقی قوه قضاییه تفویض می‌گردد. این امر مانع از اعلام تخلف و پیشنهاد تعلیق وکیل رأساً توسط رییس قوه قضاییه نیست.^{۱۲۴} در کلیه موارد موضوع این ماده، دادگاه انتظامی کانون و دادگاه عالی انتظامی قضات، موظف به رسیدگی خارج از نوبت هستند.

ماده ۱۵۸- در صورتی که رییس قوه قضاییه یا معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از وی یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات از جمله سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون اخذ کیفیت پروانه وکالت دادگستری یا ارتکاب تخلف، اشتغال وکیل مورد تعقیب را به وکالت به مصلحت نداند، از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق وکیل و صدور حکم بر ابطال پروانه وکالت را می‌خواهد. دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی کند و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود. وکیل معلق حق تجدید نظر خواهی دارد. رأی عدم تعلیق از سوی رییس قوه قضاییه یا معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از وی یا رییس کانون، قابل اعتراض در دادگاه عالی انتظامی قضات است. دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^{۱۲۵} تصمیم‌گیری در خصوص اعضای

۱۲۴- ماده ۱۶ لایحه استقلال: « هر گاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدید نظر کند.»

۱۲۵- ماده ۱۸ لایحه استقلال: « در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلاء حق

هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء در صورت وجود شرایط مقرر در این ماده، رأساً در دادگاه عالی انتظامی قضات انجام می‌شود.

ماده ۱۵۹- در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره، کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور، وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر کند و نیز از رأی عدم تعلیق رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدید نظر دارد. دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^{۱۲۶}

ماده ۱۶۰- در مواردی که رییس قوه قضاییه یا معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از وی در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید یا از قراین و اماراتی مبنی بر سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون اخذ کیفیت پروانه وکالت مطلع شود، رسیدگی به امر را به دادستان کل کشور ارجاع می‌کند. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات می‌کند، در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد نمود.^{۱۲۷}

ماده ۱۶۱- مرجع شکایت انتظامی اشخاص از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونان ایشان و رؤساء و اعضای شعب و کمیسیون‌ها راجع به انجام وظایف‌شان هیأت‌مدیره است و در صورت احراز تخلف، پرونده نزد

تقاضای تجدید نظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

۱۲۶- ماده ۱۸ لایحه استقلال: «در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدید نظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

۱۲۷- ماده ۲۱ لایحه استقلال: «در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می‌نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.»

محرم‌نامه

دادستان کل فرستاده می‌شود. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات می‌کند و در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد کرد.^{۱۲۸}

ماده ۱۶۲ - مجازات‌های انتظامی عبارت است از:

۱ - توبیخ کتبی بدون درج در پرونده؛

۲- توبیخ با درج در پرونده؛

۳ - توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله و پایگاه اینترنتی کانون؛

۴- کاهش حدود صلاحیت و تنزیل درجه؛

۵- ممنوعیت از وکالت از سه ماه تا سه سال یا عدم تمدید پروانه وکالت از سه ماه تا سه سال یا ممنوعیت از وکالت در محل معین برای مدت سه سال؛

۶- عدم تمدید پروانه وکالت به طور دائم یا محرومیت دائم از وکالت؛^{۱۲۹}

ماده ۱۶۳- مجازات تخلف از نظاماتی که کانون برای وکلا دادگستری تعیین می‌کند، درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلاً یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می‌شود و اختیار رئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه ۱ و ۲ نخواهد بود.^{۱۳۰}

۱۲۸- ماده ۶۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و رؤساء و اعضاء شعب و کمیسیون‌ها راجع به انجام وظایف‌شان هیئت‌مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود که به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود.»

۱۲۹- ماده ۷۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «۱- مجازات‌های انتظامی عبارتست از:

۲- اخطار کتبی.

۳- توبیخ با درج در پرونده.

۴- توبیخ یا درج در روزنامه رسمی و مجله کانون.

۵- تنزل درجه.

۶- ممنوعیت از سه ماه تا سه سال.

۷- محرومیت دائم از شغل وکالت.

تبصره - در موردی که برای قبول وکالت یا انتقال یا گرفتن سند مجازات انتظامی تعیین شده وکالت و انتقال مال و سندی که از اشخاص گرفته شده در دادگاهها و سایر مراجع رسمی قابل ترتیب اثر نخواهد بود. «تبصره ماده ۷۶ آیین نامه سال ۱۳۳۴ توسط دیوان عدالت باطل شده است.

۱۳۰- ماده ۷۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «مجازات تخلف از نظاماتی را که کانون برای وکلا دادگستری تعیین می‌نماید درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلاً یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می‌شود و اختیار رئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه ۱ و ۲ نخواهد بود.»



ماده ۱۶۴- متخلف از هریک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه سه محکوم خواهد شد^{۱۳۱}:

- ۱- چنانکه به دو یا چند مرجع قضایی دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در مرجع قضایی کیفری را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه‌ای که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر شود و به دیگر محاکم لایحه بفرستد یا قبل از حلول وقت، اطلاع دهد.
 - ۲- کارهای معاضدت قضایی که از طرف کانون و دفاع از متهمان را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و مقررات به ایشان ارجاع می‌شود، به نحو مطلوب و با علاقه‌مندی انجام دهد.
 - ۳- کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا تصویر کیفرخواست یا حکم که به وسیله مأمور یا پست فرستاده می‌شود به محض ارائه، قبول و رؤیت کرده، رسید بدهد.
 - ۴- وکالت‌نامه را در فرم مخصوص تنظیم نماید و نسخه‌ای از وکالت‌نامه یا سایر اوراق را به موکل بدهد.
 - ۵- رسید اصول اسناد موکل را به وی بدهد.
 - ۶- دفتر وکالت خود را، برای چهار ساعت در هر روز یا ۲۴ ساعت در طول یک هفته مفتوح نگه دارد.
 - ۷- بایگانی منظم داشته و دفاتر ثبت، رسید اسناد موکلان، درآمد و هزینه و دفتر نماینده را نگهداری و تکمیل کند.
 - ۸- قبل از دادرسی، با وجود امکان مصالحه و سازش، به صلح و سازش بین موکل و طرف وی اهتمام بورزد.
 - ۹- دادخواست و ضامنه را بدون نقص به ویژه از حیث تمبر به دادگاه تقدیم نماید.
 - ۱۰- در نگهداری و حفظ کارت شناسایی، دفترچه و پروانه وکالت اهمال نکنند.
- ماده ۱۶۵- اعمال ذیل مستوجب مجازات انتظامی درجه سه یا چهار خواهد بود^{۱۳۲}:

-
- ۱۳۱- ماده ۷۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «متخلف از هر یک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد.
۱. چنانکه به دو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در دیوان کیفر و دیوان جنائی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد.
 ۲. کارهای معاضدت قضائی را که از طرف کانون و دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می‌شود به‌خوبی و با علاقه‌مندی انجام دهد.
 ۳. کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعانامه یا حکم که به وسیله مأمور یا پست فرستاده می‌شود به محض ارائه قبول و رؤیت کرده رسید بدهد.»
- ۱۳۲- ماده ۷۹ آیین نامه: «متخلف از هر یک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد.
۱. از تجاهر به استعمال مسکر و افیون و سایر مواد مخدر.
 ۲. در مقابل وجه یا مال دیگری که از موکل دریافت می‌نماید رسید بدهد.
 ۳. در صورتی که بعد از انقضاء مدت تمبر پروانه بدون تحدید تمبر و ثبت پروانه وکالت نماید.

- ۱- تجاهر به استعمال مسکر و مواد مخدر یا روانگردان و مراوده در اماکن فساد و معاشرت با افراد متجاهر یا مشهور به فساد اخلاقی؛
- ۲- عدم ارائه رسید در مقابل اخذ هرگونه وجهی از موکل؛
- ۳- اقدام به وکالت بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه و بدون تجدید تمبر؛
- ۴- عدم حضور در مرجع قضایی بدون عذر موجه به گونه‌ای که به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد. از وکیلی که وکالت در توکیل دارد عذری بر عدم حضور پذیرفته نخواهد شد؛
- ۵- اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد؛
- ۶- عدم رعایت نظم و انضباط و اخلال در نظم جلسه دادگاه؛
- ۷- سوء استفاده از عنوان وکیل و مشاور حقوقی جهت تضییع حق یا اعمال نفوذ؛
- ۸- اقدام به عملی که موجب ضرر موکل است؛

ماده ۱۶۶- در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود: ۱۳۳

۴. در صورتی که بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد.»
- ۱۳۳- ماده ۸۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می‌شود:
۱. در صورتی که بکارگیری اشتغال پیدا کند که منافی با شئون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شئون وکالت است.
۲. در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه که دارد معرفی نماید.
۳. در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید.
۴. در صورتی که زائد بر حق الوکاله که به تراضی با موکل قرارداده و در موردی که قرارداد در بین نباشد زائد بر تعرفه وزارت یا زائد بر هزینه‌های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد.
۵. در صورتی که استعفاء خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد.
۶. در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم دادن خرج یا اقدامی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود.
۷. در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلاً به مناسبت سمت قضائی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید.
۸. در صورتی که در یکی از وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید.
۹. در صورتی که برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه‌آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استعفا از وکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود.
۱۰. در صورتی که در مذاکرات کتبی و شفاهی نسبت به دادنامه یا سایر مقامات رسمی و وکلا و اصحاب دعوی و سایر اشخاص برخلاف احترام اظهاری بنماید.

- ۱- در صورتی که به کاردیگری اشتغال پیدا کند که منافی با شئون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شئون وکالت است؛
- ۲- مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شئون وکالت باشد، مانند اینکه از پرداخت دیون مسجل خود امتناع کند یا اینکه روابط خصوصی غیرمتعارف با طرفین پرونده برقرار نماید یا در محلی که مناسب دفتر وکالت نیست، دفتر دایر کند یا مشارکت با غیر وکیل در اداره دارالوکاله نماید؛
- ۳- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر درجه میزان تحصیلات، تخصص خود را بالاتر از پروانه‌ای که دارد معرفی نماید یا از عناوین غیرواقعی مانند سابقه قضاوت و یا عضویت در هیأت علمی دانشگاهها و ... استفاده نماید یا مبادرت به تبلیغ به شکل موهن و یا خلاف شأن وکالت بنماید.
- ۴- در صورتی که به وسیله فریبنده، تحصیل وکالت نماید یا با وعده تضمین نتیجه رسیدگی موکل را به انعقاد قرارداد یا پرداخت وجه اغوا کند؛
- ۵- قرارداد مالی با موکل تنظیم ننماید و مبلغ حق الوکاله را به طور مشخص در قرارداد ذکر نکند؛
- ۶- در صورتی که استعفای خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد؛
- ۷- در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم پرداخت هزینه ای یا انجام عملی از طرف موکل است، در اسرع وقت به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود یا از اختیارات قانونی خود که مورد توکیل واقع شده مانند حق اعتراض به رأی (واخواهی - تجدیدنظر) استفاده ننماید یا با وجود عدم تصریح به اختیار خاص در وکالت‌نامه آن را اعمال نماید، ولو آنکه موکل شفاهاً و یا به طریق دیگر این اختیار را به او داده باشد؛
- ۸- در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلاً به مناسبت سمت قضایی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید؛
- ۹- در صورتی که در یکی از وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا شرکتها یا مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است، سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته، علیه آنها قبول وکالت نماید؛

۱۰- در صورتی که در مکاتبات، مصاحبه با رسانه‌ها، اظهار نظر یا فعالیت در فضای مجازی، مرتکب اعمال و گفتار خلاف حیثیت و شرافت شغل وکالت و خلاف شرع و قانون شود؛

۱۱- در صورتی که در قرارداد خصوصی، شروطی را برخلاف اخلاق حسنه و متعارف بگنجاند یا شروطی را بدون رضایت موکل به وی تحمیل نماید یا به استناد حق صلح و سازش در مفاد وکالت‌نامه خلاف مصلحت موکل عمل کند؛

۱۲- چنانچه ارتباط غیراداری به منظور تبانی با قضات و کارمندان دادگستری و مراجع ذیربط دیگر یا پرداخت هرگونه مالی اعم از وجوه نقدی و غیرنقدی به کارمندان یا قضات دادگستری و سایر ادارات و سازمان‌های دولتی و غیره برقرار نماید؛

۱۳- وکالت‌نامه را ناقص تنظیم نماید یا آن را ثبت نشده یا فاقد تاریخ و امضاء تقدیم کند یا امضای موکلی که در مرثی و منظر وی انجام نشده است یا اوراق منضم به دادخواست که اصول آن را رؤیت ننموده است، گواهی نماید یا وکالت‌نامه سفید را به امضای موکل برساند و مندرجات را بعداً الحاق نماید؛

۱۴- اوراق و وکالت‌نامه سفید امضاء خود را در اختیار غیر قرار دهد؛

تبصره - اعمال مجازات درجه چهار برای وکلای پایه یک دادگستری موجب کاهش صلاحیت به میزان وکلای پایه دو و برای وکلای پایه دو به میزان کارآموزان وکالت برای مدت معین (بین سه ماه تا سه سال) می‌شود و برای کارآموزان وکالت منجر به تعلیق پروانه کارآموزی برای مدت معین خواهد شد؛

ماده ۱۶۷- متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه پنج محکوم خواهد شد^{۱۳۴}:

۱- در صورتی با داشتن جهتی از جهات رد، قبول وکالت کرده و یا در صورت حدوث آن در اثناء وکالت استعفاء ندهد. جهات رد همان است که در قانون پیش‌بینی شده است.

۲- در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل و طرف مقابل پرونده یا قائم‌مقام یا وکلای آنان و کارشناس، مطلع شده و آن را افشا نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار آنان باشد؛

۱۳۴- ماده ۸۱ آیین‌نامه ۱۳۳۴: «متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد.

۱. در صورتی که دعوی را بطور ممانعه یا در ظاهر به نام دیگری و در باطن برای خود انتقال بگیرد.

۲. در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد.

۳. در صورت تخلف از قسم.»

۳- در صورتی که با توجه به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل با داشتن شغل پروانه وکالت گرفته و یا بعد از گرفتن پروانه وکالت به شغل دیگری که مشمول منع قانونی است اشتغال یابد؛

۴- چنانچه وکیل حق الوکاله را درصدی از نتیجه قرار دهد یا در مدعی به نام خود یا به نام دیگری و در حقیقت برای خود شرکت نماید؛

۵- چنانچه از حدود موضوع وکالت که مورد رضایت موکل نبوده است، خارج شود؛

۶- در صورتی که مبادرت به تهدید، تطمیع و اعمال زور بر علیه موکل یا طرف وی نماید؛

۷- در صورت تخلف از قسم.

۸- در صورت عدم پرداخت مالیات‌های مقرر در قانون یا سایر وجوهی که وفق قانون موظف به پرداخت آن است، بدون عذر موجه؛

ماده ۱۶۸- متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه شش محکوم خواهد شد^{۱۳۵}:

۱- کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باشند باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجرای این آئین‌نامه کتباً به کانون اطلاع داده، پروانه خود را تسلیم نمایند و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط شوند، باید کانون را کتباً مطلع کرده و پروانه خود را تسلیم نمایند.

۲- در صورتی که بعد از استعفاء یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت، وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نماید.

۳- در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود تبانی کرده که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد.

۱۳۵- ماده ۸۲ آیین‌نامه ۱۳۳۴: متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد بود.

۱. کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجراء این آئین‌نامه کتباً به کانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نمایند و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید در ظرف ده روز از تاریخ فاقد شدن شرط کانون را کتباً مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نمایند.

۲. در صورتی که بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهت دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نماید.

۳. در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد.

۴. در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلا اعلام کرده ثابت شود

۴- در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادرسی یا دادگاه انتظامی وکلا اعلام کرده ثابت شود.

ماده ۱۶۹- در صورت تخلف هریک از اعضای هیأت مدیره کانون‌های وکلای دادگستری از مفاد قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیأت های مدیره کانون‌های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.^{۱۳۶}

ماده ۱۷۰- کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت. متخلف از این مقرر به ترتیب تکرار مستوجب مجازاتهای درجه ۳ الی ۶ خواهد بود.^{۱۳۷}

ماده ۱۷۱- دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مورد توافق به عنوان حق الوکاله و افزون بر هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و سایر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی تحت هر اسم و هر عنوان که از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن ممنوع است مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت، منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را به‌طور حیل انجام دهد، مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به‌عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد در اجرای ماده ۳۴ لایحه قانونی کلاهبرداری محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.^{۱۳۸}

۱۷۲- وکیل حق ندارد دعاوی را به صورت ساختگی یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد.

۱۳۶- ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «در صورت تخلف هریک از اعضای هیأت مدیره کانون‌های وکلای دادگستری

از این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیات‌های مدیره کانون‌های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.»

۱۳۷- تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت

۱۳۸- ماده ۳۴ قانون وکالت: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه بهر اسم و هر عنوان که باشد ولو بعنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب بمجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم میشود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتیکه وکیل این عمل را به‌طور حیل انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر بعنوان دیگر و در باطن راجع بعمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبرداری محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.»

۱۷۳- وکلا نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور اطاله رسیدگی یا تحقیقات به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند. در صورت تخلف، به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد.^{۱۳۹}

۱۷۴- وکلا باید در مذاکرات شفاهی در مراجع قضایی و لوائح کتبی، احترام و نزاکت را نسبت به قضات، تمام مقامات اداری، وکلاء واصحاب دعوی رعایت کنند. در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد. در صورتی که عمل آنها مشمول یکی از عناوین جزایی باشد طبق قانون، قابل تعقیب جزایی خواهند بود.^{۱۴۰}

ماده ۱۷۵- وکیل نمی تواند چند شعبه یا مؤسسه فرعی ایجاد کند. وکلا نمی توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده اند دفتر وکالت تاسیس کنند و همچنین نمی توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز سازند.^{۱۴۱} تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است. در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت.

ماده ۱۷۶- دادگاه نمی تواند هیچ تخلفی را عفو کند و اگر موجبی برای تخفیف باشد در موردی که مجازات دارای حداقل و حداکثر است می تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک درجه تخفیف بدهد.^{۱۴۲}

ماده ۱۷۷- در صورتی که وکیل مرتکب تخلفات متعدد شود اگر تخلفات مشابه باشند، به حداکثر مجازات همان تخلف و اگر مشابه نباشند، برای هر کدام مجازات جداگانه تعیین می شود.

۱۳۹- ماده ۳۸ قانون وکالت

۱۴۰- ماده ۴۲ قانون وکالت

۱۴۱- ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت

۱۴۲- ماده ۸۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «هیچ تخلفی را نمی شود عفو کرد و اگر موجبی برای تخلف باشد دادگاه در موردی که مجازات دارای حداقل و اکثر است می تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک درجه تخفیف بدهد.»

ماده ۱۷۸ - هرگاه وکیلی محکوم به مجازات انتظامی شود و بعد از قطعیت حکم مرتکب همان تخلف و یا نظیر تخلف مورد حکم شود به یک درجه بالاتر از حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد و در صورت تکرار همان تخلف و نظیر آن مجازات به ترتیب مقرر تشدید خواهد شد.^{۱۴۳}

ماده ۱۷۹ - استرداد شکایت شاکی یا استعفاء از شغل وکالت مانع از تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست، لیکن استرداد شکایت می‌تواند موجب تخفیف مجازات شود.^{۱۴۴}

ماده ۱۸۰ - کارآموزان، مشمول مقررات انتظامی مندرج در این آئین‌نامه خواهند بود.^{۱۴۵}

ماده ۱۸۱ - تعقیب انتظامی مانع از تعقیب کیفری یا طرح دعوی مدنی مدنی نیست.^{۱۴۶}

چ - نقل و انتقال وکلا

ماده ۱۸۲ - تعیین شهر برای متقاضیان وکالت تنها از طریق آزمون ممکن است و متقاضیان تغییر شهر می‌توانند در آزمون‌های بعدی برای شهر مورد تقاضا شرکت نمایند. در صورت قبولی در آزمون دوم، پروانه برای شهر مذکور صادر می‌شود.

ماده ۱۸۳ - جابجایی بین وکلاء با توافق دو طرف با اخذ وجوه یا غیر آن ممنوع است.

ماده ۱۸۴ - اخذ هرگونه وجه یا امتیاز از وکلاء جهت تغییر شهر توسط کانون‌های وکلاء ممنوع است.

ماده ۱۸۵ - نقل و انتقال موقت به تهران و سایر استان‌ها و یا شهرستان مرکز استان، بنا بر یکی از جهات ذیل امکان‌پذیر است:

۱- از طریق پذیرش در آزمون کارشناسی ارشد و دکترا در گرایش‌های رشته حقوق برای یکبار در طول مدت اشتغال به وکالت؛

۱۴۳- ماده ۸۴ آیین‌نامه ۱۳۳۴: «هر کس محکوم به مجازات انتظامی شده و در مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن حکم مرتکب تخلفی نظیر تخلف مورد حکم شود به یک یا دو درجه بالاتر مجازات مورد حکم محکوم خواهد شد.»

۱۴۴- ماده ۸۵ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «استرداد شکایت یا استعفاء مشتکی‌عنه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است»

۱۴۵- ماده ۸۸ آیین‌نامه ۱۳۳۴: «کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آئین‌نامه خواهند بود.»

۱۴۶- ماده ۸۹ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست.»

۲- بیماری‌های صعب‌العلاج خود یا فرزند یا همسر که مداوای آن نیاز به حضور مداوم در مراکز درمانی که در مراکز استان یا تهران وجود دارد تا زمان بهبودی با تأیید سازمان پزشکی قانونی؛

ماده ۱۸۶- در صورت پذیرش وکیل به عنوان عضو هیأت علمی یا پیمانی در دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم، انتقال وکیل به حوزه قضایی محل دانشگاه بلامانع است.

ماده ۱۸۷- مرجع اتخاذ تصمیم در مورد نقل و انتقال هیأت مدیره کانون است.

ماده ۱۸۸- نقل و انتقال دائم بین شهرهای یک استان، با موافقت هیأت مدیره کانون و کلا بلامانع است.

ماده ۱۸۹- نقل و انتقال بین شهرهای دو استان، با موافقت کانون وکلای هر دو استان، در طول مدت وکالت بلامانع است.

۱۹۰- کانون وکلا با توجه به نیاز استان و شهر مبدأ و مقصد، شایستگی و صلاحیت اخلاقی متقاضی، توانایی علمی، مهارت، تحصیلات، سوابق تخلف انتظامی و شرایط متقاضی در مورد قبول یا رد تقاضای متقاضی تصمیم گیری می‌کند.

ماده ۱۹۱- تقاضای نقل و انتقال دائم از هر وکیل فقط برای سه سال پس از وکالت در حوزه قضایی تعیین شده و با فاصله سه سال یک مرتبه، پذیرفته می‌شود.

ماده ۱۹۲- کارآموزی فقط در حوزه قضایی انتخابی مجاز بوده و نقل و انتقال در مرحله کارآموزی ممنوع است.

ماده ۱۹۳- کسانی که بیش از یک سال یا به‌طور دائم از کشور خارج می‌شوند باید پروانه خود را تودیع نمایند.

ح - درجه بندی وکلاء:

ماده ۱۹۴- وکلاء به ترتیب زیر درجه بندی می‌شوند:

۱- وکیل درجه یک که حق قبول وکالت در تمامی مراجع قضایی و دادن مشاوره حقوقی در تمامی دعاوی را دارد.

۲- وکیل درجه دو حق قبول وکالت در دادگاه کیفری یک و دیوان عالی کشور و دعاوی حقوقی که قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور هستند، ندارد.

ماده ۱۹۵- ترفیع درجه وکیل با رعایت ضوابط مقرر در این آیین‌نامه ممکن است. در صورتی که وکیل اشتغال به وکالت نداشته باشد، ترفیع نخواهد داشت. مدت تعلیق، مرخصی، تودیع و انفصال در سنوات وی محاسبه نمی‌شود.

خ - وکالت معاضدتی و تسخیری

محرمانه

ماده ۱۹۶- معاضدت قضایی و وکالت تسخیری عبارت است از ارائه خدمات مشاوره حقوقی و وکالت به افراد فاقد تمکن مالی و شامل موارد زیر است:

- ۱- معرفی وکیل تسخیری در پرونده‌های کیفری به درخواست دادسرا یا دادگاه رسیدگی کننده وفق مقررات آئین دادرسی کیفری؛
 - ۲- وکالت معاضدتی در پرونده‌های حقوقی به شرح مقرر در مادتين ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری و آیین نامه اجرایی آن؛
 - ۳- وکالت معاضدتی در پرونده‌های کیفری بنابر تقاضای شاکی یا متهم به شرح مقررات قانون آیین دادرسی کیفری؛
- ماده ۱۹۷- وکلای دادگستری موظفند همه ساله در سه پرونده وکالت معاضدتی یا تسخیری کاملاً رایگان ارائه خدمت نمایند. در وکالت رایگان دادنامه اعسار یا دستور قضایی دادگاه رسیدگی کننده، ملاک خواهد بود.
- ماده ۱۹۸- با تصویب این آئین نامه، آئین نامه‌های قبلی ملغی الاثر می گردد.
- این آئین نامه در اجرای ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ درماده در تاریخ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

